دعا

برگرفته از کتاب اصول کافی

-1عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِينَ قَالَ هُوَ الدُّعَاءُ وَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ قُلْتُ إِنَّ إِبْراهِيمَ لَأَوّاهٌ حَلِيمٌ قَالَ الْأَوَّاهُ هُوَ الدَّعَّاءُ

اصول کافی جلد 4 صفحه 210 : روایة : 1

ترجمه:

1- زراره از حضرت باقر علیه السلام حدیث کند که فرمود: خدای عزوجل فرماید))) :همانا آنکه سرفرازی کنند از عبادت (و پرستش) من ، زود است که سرافکنده بدوزخ در آیند))) (سوره مؤ من آیه 60) حضرت فرمود:

)مقصود از عبادت) دعاء است ، و بهترین عبادت دعاء است ، عرض کردم : (مقصود از (((اءواه))) در این آیه چیست که خداوند فرماید:) (((همانا ابراهیم اءواه و شکیبا بود))) (سوره توبه آیه 114) فرمود: (((اءواه))) یعنی بسیار دعاء کننده بدرگاه خداوند.

-2مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ وَ ابْنِ مَحْبُوبٍ جَمِيعاً عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع أَيُّ الْعِبَادَةِ أَفْضَلُ فَقَالَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ أَنْ يُسْئَلَ وَ يُطْلَبَ مِمَّا عِنْدَهُ وَ مَا أَحَدٌ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِمَّنْ يَسْتَكْبِرُ عَنْ عِبَادَتِهِ وَ لَا يَسْأَلُ مَا عِنْدَهُ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 210 روایة 2 :

ترجمه:

2- سدید گوید :بامام باقر علیه السلام عرضکردم : کدام عبادت بهتر است ؟ فرمود: چیزی نزد خدای عزوجل بهتر از این نیست که از او درخواست شود و از آنچه نزد او است خواسته شود، و کسی نزد خدای عزوجل مبغوض تر نیست از آنکس که از عبادت او تکبر ورزد (و سر پیچی کند) و آنچه نزد او است درخواست نکند.

-3أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُيَسِّرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ لِي يَا مُيَسِّرُ ادْعُ وَ لَا تَقُلْ إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ فُرِغَ مِنْهُ إِنَّ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْزِلَةً لَا تُنَالُ إِلَّا بِمَسْأَلَةٍ وَ لَوْ أَنَّ عَبْداً سَدَّ فَاهُ وَ لَمْ يَسْأَلْ لَمْ يُعْطَ شَيْئاً فَسَلْ تُعْطَ يَا مُيَسِّرُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ بَابٍ يُقْرَعُ إِلَّا يُوشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لِصَاحِبِهِ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 211 رواية : 3

ترجمه:

3- ميسر بن عبد العزيز گويد: حضرت صادق عليه السلام بمن فرمود: اى ميسر دعا كن و مگو كه كار گذشته است و آنچه مقدر شده همان شود (و دعا اثرى ندارد)، همانا نزد خداى عزوجل منزلت و مقامى است كه بدان نتوان رسيد جز بدرخواست و مسئلت ، و اگر بنده اى دهان خود ببندد و درخواست نكند چيزى باو داده نشود، پس درخواست كن تا بتو داده شود،اى ميسر هيچ درى نيست كه كوبيده شود جز اينكه اميد آن رود كه بر وى كوبنده باز شود.

شـــــرح :

مـــجـــلســـى (ره) گـــويد: اينكه فرمود: (((و مگو كه كار گذشته است))) اين نهى امام عليه الســـلام از ايـــن گـــفـــتـــار دو وجـــهـــه دارد: يـــكـــى آنـــكـــه ايـــن گـــفـــتـــار باطل است زيرا اين گفتار يهود و برخى از حكماء است بلكه بايد ايمان به بداء داشت و باينكه خداوند سبحان هر روز در كارى است ، و هر چه خواهد محو كند و هر چه بخواهد ثبت كـــنـــد و قـــضا و قدر مانع دعا نيستند چون تغيير در لوح محو و اثبات ممكن است ، گذشته از اينكه خود دعاء نيز از اسباب قضا و قدر است و امر بدعاء نيز از همانها است .

ديـــگـــر ايـــنكه درست كه علم خداوند بهر چه تعلق گرفته همان شود ولى اين مانع از دعا نـــيست و اينكه امام عليه السلام او را از اين گفتار نهى فرموده يعنى نهى از اينست كه اين كـــلام را (كـــه در جـــاى خـــود صـــحـــيح است) مانع از دعاء قرار ندهى ـــ كه سبب اعتقاد بر بى فـــائده بـــودن دعـــاى تـــو شـــود، و حـــاصـــل جـــوابـــى كه حضرت از آن فرموده است بدو وجه گردد:

اول ايـــنـــكـــه : دعا بخودى خود مطلوبست چون عبادت بزرگيست و بمقام بلندى انسانرا نزد خدايتعالى رساند كه جز بوسيله دعا و زارى رسيدن بدان ممكن نيست .

دوم ايـــنكه مقدرات گاهى كم و زياد ميشود و بسا باشد كه بواسطه شرطى از ميان برود مثلا در تقدير خداوند عمر كسى سى سال گذشته است بشرط اينكه صله رحم نكند و اگر كـــرد شـــصـــت ســـال مـــقـــدر شـــده ، و روزيـــش در فـــلان روز بيكدرهم مقدر شده اگر دعا نكند و بـــيشتر درخواست نكند، و اگر دعا و درخواست كرد دو درهم مقدر شده و هم چنين ساير چيزها، و حـــاصـــل اينكه براى وجود تمام كاينات و عدم آنها شرائط و اسبابى

است و خدای سبحان نخواسته است کارها را بدون اسباب انجام دهد، و از جمله اسباب برای برخی از چیزها دعا است که اگر دعا نکند آن چیز بدو داده نشود؟

و اما علم خداوند پس آن تابع معلوم است و علت پیدایش چیزی نگردد، و قضا و قدر حتمی و لازم نیستند و گرنه ثواب و عقاب و امر و نهی باطل گردند چنانچه از امیرالمؤ منین علیه السلام گذشت ، سپس کلامی از غزالی و دیگران در اینباره نقل کند که ایراد آن از وضع و شرح و ترجمه ما بیرون است .

4-حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْخَشَّابِ عَنِ ابْنِ بَقَّاحٍ عَنْ مُعَاذٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَنْ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدِ افْتَقَرَ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 212 رواية : 4

ترجمه:

4- و نیز حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر که از فضل خدای عزوجل درخواست نکند نیازمند و فقیر گردد.

5-عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ ادْعُ وَ لَا تَقُلْ قَدْ فُرِغَ مِنَ الْأَمْرِ فَإِنَّ الدُّعَاءَ هُوَ الْعِبَادَةُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِينَ وَ قَالَ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 212 رواية : 5

ترجمه:

5- حماد بن عیسی گوید: شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که میفرمود: دعا کن و مگو کار از گذشته است زیرا دعا همان عبادت است و خدای عزوجل فرماید))) :آنانکه از عبادت من تکبر ورزند زود است که سر افکنده بدوزخ در آیند ((( )سوره مؤ من آیه 60) و نیز فرموده است : (((مرا بخوانید تا اجابت کنم))) (این آیه نیز اول همان آیه پیشین است.(

شـــرح :

مــجــلــســی (ره) گــویــد: مــقصود اینست که چناچه پیش گفته شد دعا بخودی خود عبادت است زیرا در این آیه آنرا عبادت دانسته و خدای تعالی بدان فرمان داده پس بر فرض که با جابت نیز نرسد بخاطر اطاعت امر او باید انجام شود مانند سایر عبادات ، و ترك آن موجب خــواری و کــوچکی و ورود در دوزخ است چناچه آیه بر آن دلالت دارد، علاوه بر اینکه خدای ســبــحــان وعــده اجــابــت فــرمــوده و در وعــده خــویــش تخلف نورزد، و

این مطلب با تقدیر هم مـــنـــافـــات ندارد، زیرا دعا نیز مقدر است و فایده ای هم که بر آن مترتب شود مقدر گردیده است .

-6أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ سَيْفٍ التَّمَّارِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ عَلَيْكُمْ بِالدُّعَاءِ فَإِنَّكُمْ لَا تَقَرَّبُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَا تَتْرُكُوا صَغِيرَةً لِصِغَرِهَا أَنْ تَدْعُوا بِهَا إِنَّ صَاحِبَ الصِّغَارِ هُوَ صَاحِبُ الْكِبَارِ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 212 رواية : 6

ترجمه:

6- سيف تمار گويد :شنيدم از حضرت صادق (ع) كه ميفرمود: بر شما باد به (ملازمت) دعاء زيرا بهيچ چيز مانند آن بخدا نزديك نشويد، و هيچ حاجت كوچكى را بخاطر كوچكيش رها نكنيد از اينكه براى آن بدرگاه خداوند دعا كنيد، زيرا آنكس كه حاجات كوچك بدست اوست همان كس است كه حاجات بزرگ در اختيار اوست.

شـــــرح :

یــعــنــی نــپــندارید که کارهای کوچك بدون تقدیر خداوند انجام شود بلکه تمامی کارها از کوچك و بزرگ بدست او است .

-7عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ رَجُلٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع الدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِي الْآيَةَ ادْعُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا تَقُلْ إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ فُرِغَ مِنْهُ قَالَ زُرَارَةُ إِنَّمَا يَعْنِي لَا يَمْنَعُكَ إِيمَانُكَ بِالْقَضَاءِ وَ الْقَدَرِ أَنْ تُبَالِغَ بِالدُّعَاءِ وَ تَجْتَهِدَ فِيهِ أَوْ كَمَا قَالَ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 212 رواية : 7

ترجمه:

7- و نيز آن حضرت عليه السلام فرمود: دعاء همان عبادتى است كه خداى عزوجل فرموده است : (((همانا آنانكه از عبادت من تكبر ورزند))) تا آخر آيه . خداى را بخوان) و دعاكن) و مگو كار گذشته است.
زراره گويد: مقصود آن حضرت اينست كه عقيده تو به قضاو قدر جلوگير تو نشود از اصرار در دعا و كوشش در آن يا (آنكه زراره كلامى (مانند اين گفت.

-8عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ وَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعَفَافُ قَالَ وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع رَجُلًا دَعَّاءً

اصول کافی جلد 4 صفحه : 213 روایة : 8

ترجمه:

8- و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤ منین علیه السلام فرماید: محبوبترین در (روی) زمین برای خدای عزوجل دعا است ، و بهترین عبادت پرهیزکاری و پارسائی است و امیرالمؤ منین علیه السلام مردی بود که بسیار دعا می کرد.

-1عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ وَ عَمُودُ الدِّينِ وَ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 213 روایة : 1

باب اینکه دعا سلاح مؤ من است

بَابُ أَنَّ الدُّعَاءَ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ

ترجمه:

1- امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرموده : دعا سلاح مؤ من و ستون دین و نور آسمانها و زمین است.

-2وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع الدُّعَاءُ مَفَاتِيحُ النَّجَاحِ وَ مَقَالِيدُ الْفَلَاحِ وَ خَيْرُ الدُّعَاءِ مَا صَدَرَ عَنْ صَدْرٍ نَقِيٍّ وَ قَلْبٍ تَقِيٍّ وَ فِي الْمُنَاجَاةِ سَبَبُ النَّجَاةِ وَ بِالْإِخْلَاصِ يَكُونُ الْخَلَاصُ فَإِذَا اشْتَدَّ الْفَزَعُ فَإِلَى اللَّهِ الْمَفْزَعُ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 213 روایة : 2

ترجمه:

2- و نیز فرمود :امیرالمؤ منین علیه السلام فرموده : دعاء کلیدهای نجات و گنجینه های رستگاریست ،

و بـهـترين دعاء آن دعائيست كه از سينه خاك و دلى پرهيزكار بر آيد، و وسيـلـه نجات در مناجات است ، و خلاصى به اخلاص آيد، و چون فزع و بى تابى سخت شود مفزع و پناهگاه خدا است.

-3وَ بِـإِسْـنَـادِهِ قَـالَ قَـالَ النَّبِـيُّ ص أَ لَـا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يُنْجِيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ يُدِرُّ أَرْزَاقَكُمْ قَالُوا بَلَى قَالَ تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ
اصول كافى جلد 4 صفحه : 214 رواية : 3

ترجمه:
3- و نـيـز فـرمـود :پيغمبر صلى اللّه عليه و آله فرمود آيا شما را به سلاحى راهنمائى نكنم كه شما را از دشمنان رهائى دهد و روزى شماها را فراوان سازد؟ عرض كردند: چرا، فرمود: پروردگارتان را در شب و روز بخوانيد زيرا سلاح مؤ من دعا است.

-4عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِـي عَـبْـدِ اللَّهِ ع قَـالَ قَـالَ أَمِـيـرُ الْـمُـؤْمِنِينَ ع الدُّعَاءُ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ وَ مَتَى تُكْثِرْ قَرْعَ الْبَابِ يُفْتَحْ لَكَ
اصول كافى جلد 4 صفحه : 214 رواية : 4

ترجمه:
4- و نيز آن حضرت عليه السلام فرمود: اميرالمؤ منين عليه السلام فرمود: دعا سپر مؤ من است ، و هر گاه بسيار درى را كوبيدى به روى تو باز شود.

-5عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الرِّضَا ع أَنَّهُ كَـانَ يَـقُـولُ لِأَصْحَـابِـهِ عَلَيْكُمْ بِسِلَاحِ الْأَنْبِيَاءِ فَقِيلَ وَ مَا سِلَاحُ الْأَنْبِيَاءِ قَالَ الدُّعَاءُ
اصول كافى جلد 4 صفحه : 214 رواية : 5

ترجمه:
5- حضرت رضا عليه السلام هميشه به اصحاب خود مى فرمود: بر شما باد به اسلحه پيمبران به او عرض شد: اسلحه پيمبران چيست ؟ فرمود: دعاء است.

-6عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْبَجَلِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ الدُّعَاءَ أَنْفَذُ مِنَ السِّنَانِ
اصول کافی جلد 4 صفحه : 214 رواية : 6

ترجمه:
6- حضرت صادق عليه السلام فرمود: دعاء از نيزه نافذتر است.

7-عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ الدُّعَاءُ أَنْفَذُ مِنَ السِّنَانِ الْحَدِيدِ
اصول کافی جلد 4 صفحه : 214 رواية : 7

ترجمه:
7- و نيز آن حضرت عليه السلام فرمود: دعاء از نيزه تيز نافذتر است.

1-عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ يَنْقُضُهُ كَمَا يُنْقَضُ السِّلْكُ وَ قَدْ أُبْرِمَ إِبْرَاماً
اصول کافی جلد 4 صفحه : 215 رواية : 1

باب اينكه دعا بلا و قضا را دفع ميكند

بَابُ أَنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ الْبَلَاءَ وَ الْقَضَاءَ

ترجمه:
1- حماد بن عثمان گويد :شنيدم كه مى فرمود: همانا دعاء قضا را برمى گرداند، و آنرا از هم واتابد و بزند چنانچه رشته نخ اگر چه به سختى تابيده شده باشد از هم باز شود.

2-عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يَقُولُ إِنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ مَا قَدْ قُدِّرَ وَ مَا لَمْ يُقَدَّرْ قُلْتُ وَ مَا قَدْ قُدِّرَ عَرَفْتُهُ فَمَا لَمْ يُقَدَّرْ قَالَ حَتَّى لَا يَكُونَ
اصول کافی جلد 4 صفحه : 215 رواية : 2

ترجمه:

2- عمر بن یزید گوید: از حضرت ابی الحسن (کاظم) علیه السلام شنیدم که می فرمود: همانا دعاء برمی گرداند آن چه را مقدر شده و آنچه را مقدر نشده ، عرض کردم : مقدر شده را دانستم مقدر نشده کدام هست ؟ فرمود: تا اینکه تقدیر در مورد آن نشود.

شـــــــرح :

یعنی دعاء جلو تقدیر را می گیرد و بداء حاصل گردد.

3-أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ بِسْطَامَ الزَّيَّاتِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ وَ قَدْ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ وَ قَدْ أُبْرِمَ إِبْرَاماً

اصول کافی جلد 4 صفحه : 215 رواية : 3

ترجمه:

3- حضرت صادق علیه السلام فرمود: دعا برگرداند قضائیکه از آسمان نازل گردیده و به سختی ابرام شده (و محکم گردیده) است.

4-مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي هَمَّامٍ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامٍ عَنِ الرِّضَا ع قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع إِنَّ الدُّعَاءَ وَ الْبَلَاءَ لَيَتَرَافَقَانِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ الدُّعَاءَ لَيَرُدُّ الْبَلَاءَ وَ قَدْ أُبْرِمَ إِبْرَاماً

اصول کافی جلد 4 صفحه : 215 رواية 4 :

ترجمه:

4- حضرت رضا علیه السلام فرمود: علی بن الحسین علیهماالسلام فرموده : همانا دعا و بلاء تا روز قیامت با هم رفاقت کنند، و همانا دعاء برگرداند بلاء را که به سختی ابرام شده است.

توضیح :

مجلسی (ره) گوید: در بعضی از نسخ (((لیتواقفان))) به جای (((لیترافقان))) ضبط شده و آن ظاهرتر است یعنی با هم مبارزه و مخاصمه کنند. و تاءیید کند آن را آنچه عامه از پـــیــــغـــــمــــبر صلی اللّه علیه و آله نقل کنند که فرمود: دعا بلاء را دیدار کند و در هوا با هم به جدال برخیزند.

-5عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع يَقُولُ الدُّعَاءُ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ النَّازِلَ وَ مَا لَمْ يَنْزِلْ
اصول كافى جلد 4 صفحه : 216 رواية 5 :

ترجمه:
5- و نيز از حضرت رضا عليه السلام از آنحضرت عليه السلام حديث شده كه فرمود: دعا بلائى را كه نازل شده و آنچه نازل نشده دفع كند.

-6عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ لِي أَ لَا أَدُلُّكَ عَلَى شَيْءٍ لَمْ يَسْتَثْنِ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ ص قُلْتُ بَلَى قَالَ الدُّعَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ وَ قَدْ أُبْرِمَ إِبْرَاماً وَ ضَمَّ أَصَابِعَهُ
اصول كافى جلد 4 صفحه : 216 رواية 6 :

ترجمه:
6- زراره گويد: حضرت باقر عليه السلام بمن فرمود: آيا تو را راهنمائى نكنم به چيزى كه رسول خدا صلى اللّه عليه و آله در آن استثناء نزد (و چيزى را از آن بيرون نكرده)؟ عرض كردم : چرا، فرمود: دعاء است كه برگرداند قضاء مبرم را كه به سختى محكم شده و (براى تشبيه و بيان مطلب) انگشتانش را بهم چسباند (يعنى شدت ابرام آن مانند اين انگشتان چسبيده به هم باشد.(

-7الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ الدُّعَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ بَعْدَ مَا أُبْرِمَ إِبْرَاماً فَأَكْثِرْ مِنَ الدُّعَاءِ فَإِنَّهُ مِفْتَاحُ كُلِّ رَحْمَةٍ وَ نَجَاحُ كُلِّ حَاجَةٍ وَ لَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا بِالدُّعَاءِ وَ إِنَّهُ لَيْسَ بَابٌ يُكْثَرُ قَرْعُهُ إِلَّا يُوشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لِصَاحِبِهِ
اصول كافى جلد 4 صفحه : 216 رواية 7 :

ترجمه:
7- عبداللّه بن سنان گويد: شنيدم حضرت صادق عليه السلام مى فرمود: دعاء قضاء مبرم شده را برگرداند، پس بسيار دعا كن مه آن كليد هر رحمت و پيروزى در هر حاجت است ، و به آنچه نزد خداى عزوجل است نتوان رسيد جز بوسيله دعا، و هيچ درى بسيار كوبيده نشود جز اين كه اميد بباز شدن آن نزديك شود.

8-مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَّادٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى ع عَلَيْكُمْ بِالدُّعَاءِ فَإِنَّ الدُّعَاءَ لِلَّهِ وَ الطَّلَبَ إِلَى اللَّهِ يَرُدُّ الْبَلَاءَ وَ قَدْ قُدِّرَ وَ قُضِيَ وَ لَمْ يَبْقَ إِلَّا إِمْضَاؤُهُ فَإِذَا دُعِيَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سُئِلَ صَرْفَ الْبَلَاءِ صَرَفَهُ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 216 رواية : 8

ترجمه:

8- ابو ولاد گويد: حضرت موسى بن جعفر عليهماالسلام فرمود: بر شما باد (كه ملازمت كنيد) به دعا، زيرا دعاء بدرگاه خدا و خواستن از او، برگرداند بلائى را كه مقدر شده و حكم بدان شده ، و جز اجراى آن چيزى نمانده ، پس چون خداى عزوجل خوانده شد و از او در خواست شد يكباره بلا را بگرداند.

9-الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَيَدْفَعُ بِالدُّعَاءِ الْأَمْرَ الَّذِي عَلِمَهُ أَنْ يُدْعَى لَهُ فَيَسْتَجِيبُ وَ لَوْ لَا مَا وُفِّقَ الْعَبْدُ مِنْ ذَلِكَ الدُّعَاءِ لَأَصَابَهُ مِنْهُ مَا يَجُثُّهُ مِنْ جَدِيدِ الْأَرْضِ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 216 رواية : 9

ترجمه:

9- حضرت صادق عليه السلام فرمود: خداى عزوجل هر آينه دفع كند بوسيله دعاء آنچه را كه مى داند اگر براى آن دعاء شود اجابت خواهد كرد، و اگر نبود كه بنده به اين دعا موفق شود به او بلائى مى رسيد كه او را از روى زمين بردارد.

شــــــرح :

مــجـــلســى (ره) پس از تجزيه و تركيب قسق از حديث كلامى گويد: كه حاصلش اين است كــه خـــداى ســبــحـــان دفــع كـــنـــد بـــلائى را كـــه بـــنـــده مـــســـتـــحـــق نزول آن گشته ، هرگاه بداند كه آن بنده پس از اين براى برطرف شدن آن دعا مى كند، پـــس آن بـــلا را نـــازل نـــكـــنـــد به خاطر آن دعائى كه پس از اين از آن بنده سرزند، پس دعا پيش از وقوعش در دفع بلا اثر كند.

باب اينكه دعا شفاء و درمان هر دردى است

بَابُ أَنَّ الدُّعَاءَ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ

1-عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَسْبَاطِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ عَلَاءِ بْنِ كَامِلٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَلَيْكَ بِالدُّعَاءِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ
اصول كافى جلد 4 صفحه 217 : رواية : 1

ترجمه:
1- علاء بن کامل گوید: حضرت صادق (ع) به من فرمود: بر تو باد بدعاء زيرا آن درمان هر دردى است
.

1-مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ الدُّعَاءُ كَهْفُ الْإِجَابَةِ كَمَا أَنَّ السَّحَابَ كَهْفُ الْمَطَرِ
اصول كافى جلد 4 صفحه 217 : رواية : 1

باب اينكه هر كه دعا كند مستجاب گردد

بَابُ أَنَّ مَنْ دَعَا اسْتُجِيبَ لَهُ

ترجمه:
1- حضرت صادق (ع) فرمود: دعا مخزن و گنجينه اجابت است چناچه ابر مخزن باران است.

شـــــرح :
مجلسى (ره) گويد: (((الدعاء كهف الاجابة))) يعنى مخزن و محل و مظنه اجابت است چناچه ابر محل و مظنه باران است ... تا اينكه گويد: و گفته شده : اينكه تشبيه بابر فرموده اشاره باينست كه ابر محل باران است جز اينكه روى نبودن مصلحت گاهى باران نبارد، دعا نيز اين چنين است كه گاهى نبودن مصلحت در دنيا مستجاب نگردد ولى در آخرت عوض آن را بدهند.

2-عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَا أَبْرَزَ عَبْدٌ يَدَهُ إِلَى اللَّهِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ إِلَّا اسْتَحْيَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَرُدَّهَا صِفْراً حَتَّى يَجْعَلَ فِيهَا مِنْ فَضْلِ رَحْمَتِهِ مَا يَشَاءُ فَإِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلَا يَرُدَّ يَدَهُ حَتَّى يَمْسَحَ عَلَى وَجْهِهِ وَ رَأْسِهِ
اصول كافى جلد 4 صفحه 218 : رواية : 2

ترجمه:

2ـ حضرت صادق (ع (فرمود: هیچ بنده ای دست به درگاه خدای عزیز جبار نگشاید جز اینکه خدای عزوجل شرم کند که آنرا تهی بازگرداند تا اینکه از فضل رحمت خود در آن بنهد، پس هر گاه یکی از شماها دعا کرد دستش را برنگرداند تا آنرا بسر و روی خود بکشد.

شــــرح :

مجلسی (ره) گوید: شرم و حیاء گرفتگی نفس است از کار بد بخاطر بیم نکوهش و چون بخدای تعالی نسبت داده شود مقصود از آن لازمه آن است که ترك باشد یعنی خدا آن کار را نکند... تا آنکه گوید:

و در ایـــنـــجـــا شبهه ایست که باید آنرا دفع کنیم و بخاطر بسیاری از مردم بیاید و آن این اســـت : کـــه چـــگـــونـــه خـــدای ســـبـــحـــان وعـــده اجـــابـــت داده وخـــلف وعـــده او مـــحـــال اســـت و گذشته آیات و روایات بسیاری در این باره آمده ، و دروغ از خدای تعالی و حجت های او علیهم السلام ممتنع است (پس چگونه که بسیاری از دعاها باجابت نرسد)؟

و جواب از این اعتراض را ممکن است بچند و چه گفت :

اول : اینکه وعده خدا مشروط بمشیت است یعنی اگر بخواهم اجابت کنم و به همین دلالت کند گـــفـــتارش که (در سوره انعام آیه 41) فرماید: (((و بر طرف کند آنچه را به در گاه او دعا کنید اگر بخواهد))) .

دوم : ایـــنـــکـــه مـــقـــصـــود از اجـــابـــت کـــه خـــداوند و حجج او فرمودند لازمه آنست که آن توجه و اســـتـــمـــاع دعـــا اســـت یـــعنی فورا شنیده شود و مورد توجه قرار گیرد ولی در دادن آنچه را خواهد تاءخیر کند تا باز او را بخواند و آوازش بشنود چون آن را دوست دارد.

ســـوم : اینکه اجابت مشروط و خیر بودن برای دعا کننده زیرا خدای حکیم بدلخواه بندگان از آنچه خیر و صلاح آنها است دست برندارد.

چـــهـــارم : لازم نـــیـــســـت اجـــابـــت دعا فوری باشد و ممکن است دعا مستجاب شده باشد ولی ظهور آثـــار آن روی پـــاره ای از مـــصـــالح به مدت زیادی تاءخیر افتد، چنانچه در تفسیر گفتار خدای تعالی :(((قد اجیبت دعوتکما))) که خدا به موسی و هارون که دعا کردند پروردگارا امـــوال ایـــشـــان را تـــبـــاه ســـازد.. خـــطاب فرمود: (((که همانا مستجاب شد دعای شما))) (سوره یونس آیه 89) حدیث شده که فرمودند: میان این خطاب و میان غرق فرعون و نابودی او و پـــیـــروانـــش (کـــه بـــرای آن دعـــا کـــرده بـــودنـــد) چـــهـــل سال طول کشید...

(مترجم گوید: مجلسی (ره) وجوه دیگری نیز ذکر کرده که بهمین چهار وجه اکتفاء شد).

باب اینکه برای دعا به مؤ من الهام شود

-1عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع هَلْ تَعْرِفُونَ طُولَ الْبَلَاءِ مِنْ قِصَرِهِ قُلْنَا لَا قَالَ إِذَا أُلْهِمَ أَحَدُكُمُ الدُّعَاءَ عِنْدَ الْبَلَاءِ فَاعْلَمُوا أَنَّ الْبَلَاءَ قَصِيرٌ

اصول كافى جلد 4 صفحه 219 : رواية 1 :

بَابُ إِلْهَامِ الدُّعَاءِ

ترجمه:

1- هشام بن سالم گويد :حضرت صادق (ع) فرمود: آيا طولانى بودن بلا را از كوتاهى آن مى شناسيد (و مى فهميد چه بلائى طولانى و چه بلائى كوتاه است)؟ عرض كرديم : نه ، فرمود چون در هنگام بلاء به كسى (از شما) الهام شد كه دعا كند بدانيد كه بلاء كوتاه است (و مدت آن سپرى شده).

-2مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَّادٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى ع مَا مِنْ بَلَاءٍ يَنْزِلُ عَلَى عَبْدٍ مُؤْمِنٍ فَيُلْهِمُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الدُّعَاءَ إِلَّا كَانَ كَشْفُ ذَلِكَ الْبَلَاءِ وَشِيكاً وَ مَا مِنْ بَلَاءٍ يَنْزِلُ عَلَى عَبْدٍ مُؤْمِنٍ فَيُمْسِكُ عَنِ الدُّعَاءِ إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْبَلَاءُ طَوِيلًا فَإِذَا نَزَلَ الْبَلَاءُ فَعَلَيْكُمْ بِالدُّعَاءِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

اصول كافى جلد 4 صفحه 219 : رواية : 2

ترجمه:

2- ابوولاد گويد: حضرت موسى بن جعفر عليهماالسلام فرمود: هيچ بلائى بر بنده مؤ من نازل نشود كه خداى عزوجل بدو الهام دعا كند، جز اينكه بزودى آن بلا برطرف شود، و هيچ بلائى بر بنده مؤ من نازل نگردد كه از دعا كردن خوددارى كند جز اينكه آن بلا طولانى است ، پس هرگاه بلا نازل شد بر شما باد كه بدرگاه خداى عزوجل دعا و زارى كنيد.

باب پيش افتادن در دعا

بَابُ التَّقَدُّمِ فِي الدُّعَاءِ

1-مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَنْ تَقَدَّمَ فِي الدُّعَاءِ اسْتُجِيبَ لَهُ إِذَا نَزَلَ بِهِ الْبَلَاءُ وَ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ صَوْتٌ مَعْرُوفٌ وَ لَمْ يُحْجَبْ عَنِ السَّمَاءِ وَ مَنْ لَمْ يَتَقَدَّمْ فِي الدُّعَاءِ لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ إِذَا نَزَلَ بِهِ الْبَلَاءُ وَ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ ذَا الصَّوْتَ لَا نَعْرِفُهُ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 219 رواية : 1

ترجمه:

1- حضرت صادق عليه السلام فرمود: هر كه در دعا پيش افتد (يعنى هميشه دعا مى كند و اختصاصى به هنگام رسيدن بلا ندارد) بلائى كه به او برسد دعايش مستجاب شود، و فرشتگان گويند: صداى آشنائى است و از بالا رفتن به آسمان ممنوع نگردد، و كسى كه پيشدستى به دعا نكند، چون بلا به او برسد دعايش مستجاب نشود، و فرشتگان گويند ما: اين آواز را نشناسيم

2-عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ عَنْبَسَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَنْ تَخَوَّفَ مِنْ بَلَاءٍ يُصِيبُهُ فَتَقَدَّمَ فِيهِ بِالدُّعَاءِ لَمْ يُرِهِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ الْبَلَاءَ أَبَداً

اصول کافی جلد 4 صفحه : 220 رواية : 2

ترجمه:

2- و نيز آن حضرت عليه السلام فرمود: هر كه از بلائى بترسد كه بدو رسد و پيش از رسيدن آن بلا در باره (بر طرف شدن) آن دعا كند خداى عزوجل هرگز آن بلا را بدو ننماياند.

3-عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ الدُّعَاءَ فِي الرَّخَاءِ يَسْتَخْرِجُ الْحَوَائِجَ فِي الْبَلَاءِ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 220 رواية : 3

ترجمه:

3- و نيز آن حضرت عليه السلام فرمود: دعا در حال راحتى و آسايش نيازمنديهاى در حال بلا را بر مى آورد (يعنى گرفتاريهاى آن زمان را بر طرف مى كند.)

-4عَنْـهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُسْتَجَابَ لَهُ فِي الشِّدَّةِ فَلْيُكْثِرِ الدُّعَاءَ فِي الرَّخَاءِ
اصول كافى جلد 4 صفحه 220 : رواية : 4

ترجمه:
4- و نيز آن حضرت عليه السلام فرمود: هر كه را خوش آيد (و خواهان است) كه دعايش در حال سختى به اجابت رسد بايد در حال راحتى و آسايش بسيار دعا كند.

-5عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى عَنْ رَجُلٍ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ غَوَّاصٍ الطَّائِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ جَدِّي يَقُولُ تَقَدَّمُوا فِي الدُّعَاءِ فَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا كَانَ دَعَّاءً فَنَزَلَ بِهِ الْبَلَاءُ فَدَعَا قِيلَ صَوْتٌ مَعْرُوفٌ وَ إِذَا لَمْ يَكُنْ دَعَّاءً فَنَزَلَ بِهِ بَلَاءٌ فَدَعَا قِيلَ أَيْنَ كُنْتَ قَبْلَ الْيَوْمِ
اصول كافى جلد 4 صفحه 220 : رواية : 5

ترجمه:
5- محمد بن مسلم گويد: حضرت صادق عليه السلام فرمود: جدم مى فرمود: در دعا پيش دستى كنيد (و پيش از آنكه گرفتار شويد دعا كنيد) زيرا چون بنده اى بسيار دعا كند و بلائى به او رسد و دنبالش دعا كند گفته شود: آوازى آشنا است ، و چون بسيار دعا نكند (و پردعا نباشد) و بلائى به او رسد و دنبالش دعا كند بدو گفته شود: تا به امروز كجا بودى ؟.

-6الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع يَقُولُ الدُّعَاءُ بَعْدَ مَا يَنْزِلُ الْبَلَاءُ لَا يُنْتَفَعُ بِهِ
اصول كافى جلد 4 صفحه 221 : رواية 6 :

ترجمه:
6- حضرت موسى بن جعفر عليهماالسلام فرمود: هميشه على بن الحسين عليهماالسلام مى فرمود: دعاى بعد از رسيدن بلاسود ندارد.

توضيح :
مجلسى (ره) گويد اين روايت حمل شود بر اينكه پيش از آن عادت بدعا كردن نداشته و مقصود از سود نداشتن هم سود كامل است .

-1عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سُلَيْمٍ الْفَرَّاءِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا دَعَوْتَ فَظُنَّ أَنَّ حَاجَتَكَ بِالْبَابِ
اصول کافی جلد 4 صفحه : 221 رواية : 1

باب یقین داشتن باجابت در حال دعا

بَابُ الْيَقِينِ فِي الدُّعَاءِ

ترجمه:
1- حضرت صادق (ع) فرمود: هرگاه دعا کردی گمان کن که حاجتت بر در خانه است.

شـــــرح :
مــجــلسی (ره) گوید: کلینی (ره) گمان را حمل بر یقین کرده و به معنای یقین دانسته به قــریــنــه آنــچــه در حــدیــث (1) بــاب آیــنــده بــیــایــد، و مــمــکــن اســت حــمــل بــر مــعــنــای ظــاهــر خــود آن کــه گــمــان اســت شــود زیــرا یــقــیــن بــا جــابــت مــشــکل است ، مگر اینکه گفته شود مقصود یقین بوعده اجابت باشد که خدا فرموده است ، در صورتیکه دعاء با شرائطش باشد.

-1عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَمْرٍو قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءً بِظَهْرِ قَلْبٍ سَاهٍ فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ ثُمَّ اسْتَيْقِنْ بِالْإِجَابَةِ
اصول کافی جلد 4 صفحه : 221 رواية : 1

باب اقبال و رو آوردن و توجه بدعا

بَابُ الْإِقْبَالِ عَلَى الدُّعَاءِ

ترجمه:
1- سلیمان بن عمرو گوید: شنیدم حضرت صادق (ع) می فرمود: خدای عزوجل اجابت نکند دعائی که از روی دل غافل باشد، پس هرگاه دعا کردی به دل توجه کن و یقین داشته باش

که اجابت شود.

-2عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ص لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ دُعَاءَ قَلْبٍ لَاهٍ وَ كَانَ عَلِيٌّ ع يَقُولُ إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ لِلْمَيِّتِ فَلَا يَدْعُو لَهُ وَ قَلْبُهُ لَاهٍ عَنْهُ وَ لَكِنْ لِيَجْتَهِدْ لَهُ فِي الدُّعَاءِ
اصول کافی جلد 4 صفحه : 222 رواية : 2

ترجمه:
2- حضرت صادق (ع (فرمود: امیرالمؤ منین صلوات اللّه علیه فرموده است : خدای عزوجل دعای دل غافل و سرگرم بلهو را نپذیرد، و علی علیه السلام همیشه می فرمود: هر گاه یکی از شماها برای مرده ای دعا کند، در حالی که دلش از او غافل دعا نکند، بلکه در دعای بر او کوشش کند (یعنی براستی از دل دعا کند.(

شرح :
مجلسی (ره) گوید: اینکه تخصیص بمرده داده شده است برای اینستکه مرده بدعا نیازمندتر است ، یا برای آنستکه در میان مردم شایع شده و معمول است که برای سر سلامتی که میروند طبق معمول و مرسوم برای مرده دعا می کنند بدون اینکه توجه و تصمیمی در دعا داشته باشند و منظور امام علیه السلام اینست که این دعای برای مرده نیست و معنای اول ظاهرتر است .

-3مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ سُلَيْمٍ الْفَرَّاءِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ وَ ظُنَّ حَاجَتَكَ بِالْبَابِ
اصول کافی جلد 4 صفحه : 222 رواية : 3

ترجمه:
3- امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه دعا کردی به دل توجه کن و گمان کن که حاجتت بر در خانه است.

-4عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا

يَسْتَجِيبُ دُعَاءً بِظَهْرِ قَلْبٍ قَاسٍ
اصول كافى جلد 4 صفحه : 222 رواية : 4

ترجمه:
4- و نيز آن حضرت عليه السلام فرمود:
بدرستى كه خداى عزوجل اجابت نكند دعائى كه از روى دل سخت و با قساوت باشد.

5-عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَمَّا اسْتَسْقَى رَسُولُ اللَّهِ ص وَ سُقِيَ النَّاسُ حَتَّى قَالُوا إِنَّهُ الْغَرَقُ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص بِيَدِهِ وَ رَدَّهَا اللَّهُمَّ حَوَالَيْنَا وَ لَا عَلَيْنَا قَالَ فَتَفَرَّقَ السَّحَابُ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ اسْتَسْقَيْتَ لَنَا فَلَمْ نُسْقَ ثُمَّ اسْتَسْقَيْتَ لَنَا فَسُقِينَا قَالَ إِنِّي دَعَوْتُ وَ لَيْسَ لِي فِي ذَلِكَ نِيَّةٌ ثُمَّ دَعَوْتُ وَ لِيَ فِي ذَلِكَ نِيَّةٌ
اصول كافى جلد 4 صفحه : 222 رواية : 5

ترجمه:
5- و نيز آن حضرت عليه السلام فرمود:
هنگاميكه رسول خدا صلى اللّه عليه و آله طلب باران كرد و باران آمد تا جائى كه گفتند: غرق مى شويم و رسول خدا صلى اللّه عليه و آله بدست مبارك اشاره كرد و آنها را برگرداند، و گفت : خدايا باطراف ما باران بفرست و بر ما نفرست ، پس ابرها پراكنده شدند (و گرد شهر مدينه را حلقه وار گرفتند و باطراف مدينه باريدند، اصحاب و مسلمانان) عرض كردند: اى رسول خدا يكبار ديگر نيز براى ما طلب باران كردى ولى باران بر ما نباريد و دومين بار كه طلب باران كردى بر ما باريد؟ (اين چگونه بود؟) فرمود: من (در اولين بار كه) دعا كردم تصميم نداشتم ، سپس كه دعا كردم تصميم داشتم.

شـــرح :
فيض (ره) گويد: آن حضرت صلى اللّه عليه و آله درباره اول در اين كه آيا طلب باران مصلحت است يا نه مردد بوده است و لذا تصميم بر طلب آن در دعا نداشته است و فقط بخاطر دلخوشى اصحاب دعا كرده ولى درباره دوم چون مصلحت ديده است از روى تصميم دل دعا كرده است .

باب پافشارى كردن و اصرار در دعا و انتظار اجابت

بَابُ الْإِلْحَاحِ فِي الدُّعَاءِ وَ التَّلَبُّثِ

1-عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الطَّوِيلِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا دَعَا لَمْ يَزَلِ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي حَاجَتِهِ مَا لَمْ يَسْتَعْجِلْ
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الطَّوِيلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مِثْلَهُ
اصول كافى جلد 4 صفحه : 223 رواية : 1

ترجمه:
1-حضرت صادق عليه السلام فرمود: همانا چون بنده دعا كند خداى تبارك و تعالى در كار حاجت او است ماداميكه آن بنده شتاب نكند.

شـــــرح :
مـــجلسى (ره) گويد: يعنى مادامى كه شتاب در آن را نخواهد كه اگر تاءخير در اجابت آن شد نوميد گردد و در نتيجه از خداوند رو گردان شود و پندارد كه چون تاءخير در اجابت شـــده خـــداونـــد دعايش را مستجاب نفرمايد، يا معناى كلام حضرت عليه السلام اينست : مادامى كه آن بنده در دعا شتاب نكند و بدان اعتنا نكرده و بدون پافشارى و اصرار در اجابت آن بدنبال كار خود رود چناچه ظاهر خبر دوم است .

2-مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ وَ غَيْرِهِمَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا عَجَّلَ فَقَامَ لِحَاجَتِهِ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَ مَا يَعْلَمُ عَبْدِي أَنِّي أَنَا اللَّهُ الَّذِي أَقْضِي الْحَوَائِجَ
اصول كافى جلد 4 صفحه : 223 رواية : 2

ترجمه:
2- و نيز آن حضرت عليه السلام فرمود: همانا بنده چون شتاب كند و براى كار (هاى) خود برخيزد (و بدنبال كار خود رود) خداى تبارك و تعالى فرمايد: آيا بنده من نداند كه براستى منم آن خدائى كه حاجتها را بر آوردم.

توضيح :
مـــجـــلـــســـى (ره) گـــويد: (((اذا عجل))) يعنى در تعقيب نماز شتاب كند و آن را واگذارد و به اندك توجهى اكتفا كند و برخيزد دنبال كار خود برود، يا به اندك دعائى اكتفا كند و به دنبال آن كارى كه براى آن دعا كرده برود، يا مقصود همان باشد كه در خبر سابق گفتيم .

3-مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ عُقْبَةَ الْهَجَرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ وَ اللَّهِ لَا يُلِحُّ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي حَاجَتِهِ إِلَّا قَضَاهَا لَهُ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 224 رواية : 3

ترجمه:

3- وليد بن عقبه هجرى گويد: شنيدم حضرت باقر عليه السلام فرمود: به خدا سوگند هيچ بنده اى در دعا پافشارى و اصرار به درگاه خداى عزوجل نكند جز اينكه حاجتش را برآورد.

4-عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ حَسَّانَ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ كَرِهَ إِلْحَاحَ النَّاسِ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْمَسْأَلَةِ وَ أَحَبَّ ذَلِكَ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ أَنْ يُسْأَلَ وَ يُطْلَبَ مَا عِنْدَهُ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 224 رواية : 4

ترجمه:

4- حضرت صادق (ع (فرمود: همانا خداى عزوجل خوش ندارد كه مردم در انجام حاجت به هم ديگر اصرار كنند ولى براى خودش آن را دوست دارد، خداى عزوجل دوست دارد كه از او در خواست شود و آنچه نزد او است خواهش شود.

5-عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنٍ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ لَا وَ اللَّهِ لَا يُلِحُّ عَبْدٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 224 رواية : 5

ترجمه:

5- حضرت باقر عليه السلام فرمود: نه به خدا سوگند هيچ بنده اى به درگاه خداى عزوجل اصرار نورزد جز اينكه خداوند دعايش را مستجاب كند.

6-عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص رَحِمَ اللَّهُ عَبْداً طَلَبَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَاجَةً فَأَلَحَّ فِي الدُّعَاءِ اسْتُجِيبَ لَهُ أَوْ لَمْ

يُسْتَجَبْ لَهُ وَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ وَ أَدْعُوا رَبِّي عَسى أَلّ ا أَكُونَ بِدُع اءِ رَبِّي شَقِيًّا
اصول كافى جلد 4 صفحه : 224 رواية : 6

ترجمه:
6- حضرت صادق (ع (فرمود: رسول خدا صلى اللّه عليه و آله فرمود: خدا رحمت كند بنده اى را كه از خداى عزوجل حاجتى بخواهد و در دعاى درباره آن پافشارى و اصرار كند، خواه اجابت شود و خواه اجابت نشود، و اين آيه را تلاوت فرمود (كه ابراهيم عليه السلام فرمايد:) (((و دعاكنم بدرگاه پروردگار خود شايد به وسيله دعاى پروردگارم تيره بخت نباشم))) (سوره مريم آيه.(48

توضيح :
مجلسى (ره) گويد: حاصل معناى حديث اينست كه : براى تاءخير در اجابت اصرار را رها نكنند و استشهاد به آيه براى آنست كه ابراهيم (عليه السلام) اظهار اميدوارى و بلكه اطمينان كرد زيرا لفظ (((عسى))) براى اثبات است باينكه دعا بدرگاه خداوند موجب عدم شقاوت او گردد... و متحمل است كه در كلام تقديرى باشد يعنى پس از پافشارى و اصرار راضى شود چه باجابت رسد و چه نرسد و دنبالش بر خداوند اعتراض نكند و بدگمان باو نشود پس استشهاد به آيه باينست كه حمل شود بر اين معنا كه : (((اميد است كه دعاى من سبب شقاوت و تيره بختى من نگردد))). و متحمل است كه ذكر آيه شريفه فقط بخاطر بيان فضيلت دعا باشد.

1-عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْفَرَّاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَعْلَمُ مَا يُرِيدُ الْعَبْدُ إِذَا دَعَاهُ وَ لَكِنَّهُ يُحِبُّ أَنْ تُبَثَّ إِلَيْهِ الْحَوَائِجُ فَإِذَا دَعَوْتَ فَسَمِّ حَاجَتَكَ
وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ قَالَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَعْلَمُ حَاجَتَكَ وَ مَا تُرِيدُ وَ لَكِنْ يُحِبُّ أَنْ تُبَثَّ إِلَيْهِ الْحَوَائِجُ
اصول كافى جلد 4 صفحه : 225 رواية : 1

باب نام بردن حاجت در دعا

بَابُ تَسْمِيَةِ الْحَاجَةِ فِي الدُّعَاءِ

ترجمه:
1- ابو عبداللّه فراء گويد: حضرت صادق (ع) فرمود:

خدای تبارك و تعالی میداند که بنده اش چه میخواهد هرگاه بدرگاهش دعا کند، لیکن دوست دارد که حاجتها بدرگاهش شرح داده شود پس هرگاه دعا کردی حاجتت را نام ببر.
و در حدیث دیگری گوید: که فرمود: خدای عزوجل حاجت تو را می داند و نیز داند که تو چه خواهی ولی دوست دارد که حاجتهای (خود را) بدرگاه او شرح دهی.

-1مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي هَمَّامٍ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع قَالَ دَعْوَةُ الْعَبْدِ سِرّاً دَعْوَةً وَاحِدَةً تَعْدِلُ سَبْعِينَ دَعْوَةً عَلَانِيَةً
وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى دَعْوَةٌ تُخْفِيهَا أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ سَبْعِينَ دَعْوَةً تُظْهِرُهَا
اصول کافی جلد 4 صفحه : 225 رواية : 1

باب پنهان کردن دعا

بَابُ إِخْفَاءِ الدُّعَاءِ

ترجمه:
1- حضرت رضا علیه السلام فرمود: دعای بنده در پنهانی یك دعایش برابر با هفتاد دعای آشکار است . و در حدیث دیگر است که : یك دعائی که در پنهانی کنی بهتر است نزد خداوند از هفتاد دعا که آشکار کنی.

شـــــرح :
مـــجـــلســـی (ره) گـــویـــد: ایـــن دو حـــدیث دلالت کند بر اینکه پنهان کردن دعا بهتر از آشکار کـــردن آنـــســـت ، و ایـــنـــکه یك دعای در پنهانی برابر است یا بهتر است هفتاد دعای آشکار در صـــورتـــی کـــه آشـــکـــار کـــردن آن مشعوب بر یاء و سمعه نباشد و گرنه میان آنها نسبتی نیست .
و اما جمع میان این اخبار و آنچه روایت شده است از اینکه مستحب اجتماع در دعا پس از این بحث در آن بیاید ان شاء اللّه تعالی .

باب اوقات و حالاتیکه امید اجابت دعا در آنها رود

1-عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع اطْلُبُوا الدُّعَاءَ فِي أَرْبَعِ سَاعَاتٍ عِنْدَ هُبُوبِ الرِّيَاحِ وَ زَوَالِ الْأَفْيَاءِ وَ نُزُولِ الْقَطْرِ وَ أَوَّلِ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِ الْقَتِيلِ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تُفَتَّحُ عِنْدَ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 226 رواية : 1

بَابُ الْأَوْقَاتِ وَ الْحَالَاتِ الَّتِي تُرْجَى فِيهَا الْإِجَابَةُ

ترجمه:

1- حضرت صادق (ع) فرمود: دعا را در چهار هنگام بخوانيد: هنگام وزيدن بادها، و (گاه) بر طرف شدن سايه ها (يعنى هنگام ظهر)، و (نزد) فرو شدن باران ، و (هنگام) ريخته شدن اولين قطره خون مؤ من (در جهاد يا غير آن) زيرا در اين چيزها درهاى آسمان باز شود.

2-عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ وَ غَيْرِهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ فَضْلِ الْبَقْبَاقِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يُسْتَجَابُ الدُّعَاءُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ فِي الْوَتْرِ وَ بَعْدَ الْفَجْرِ وَ بَعْدَ الظُّهْرِ وَ بَعْدَ الْمَغْرِبِ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 266 رواية : 2

ترجمه:

2- و نيز آن حضرت عليه السلام فرمود: دعا در چهار جا به اجابت رسد: در نماز وتر، و بعد از سپيده دم ، و بعد از ظهر، و بعد از مغرب.

توضيح :

مجلسى (ره) گويد: ظاهر اينست كه در سه مورد اخير بعد از نمازهاى اين اوقات است نه بعد از دخول اوقات . (مترجم گويد: وجهى براى اين استظهار بنظر نرسيد، و اللّه علم).

3-عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع اغْتَنِمُوا الدُّعَاءَ عِنْدَ أَرْبَعٍ عِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَ عِنْدَ الْأَذَانِ وَ عِنْدَ نُزُولِ الْغَيْثِ وَ عِنْدَ الْتِقَاءِ الصَّفَّيْنِ لِلشَّهَادَةِ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 226 رواية : 3

ترجمه:

3- حضرت صادق (ع (فرمود: اميرالمؤ منين عليه السلام فرموده است : دعا را در چهار جا غنيمت شماريد: نزد قرائت قرآن ، و نزد گفتن اذن ، و نزد آمدن باران ، و نزد برخورد كردن دو صف (از مؤ منين و كفار) براى قتال.

-4عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَطَاءٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ كَانَ أَبِي إِذَا كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ طَلَبَهَا فِي هَذِهِ السَّاعَةِ يَعْنِي زَوَالَ الشَّمْسِ

اصول كافى جلد 4 صفحه : 227 رواية : 4

ترجمه:

4- حضرت باقر عليه السلام فرمود: پدرم هر زمان بدرگاه خداوند حاجتى داشت در اين ساعت آن را مى خواست يعنى هنگام زوال خورشيد (و اول ظهر كه خورشيد از ميانه آسمان بطرف مغرب متمايل شود.(

-5عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا رَقَّ أَحَدُكُمْ فَلْيَدْعُ فَإِنَّ الْقَلْبَ لَا يَرِقُّ حَتَّى يَخْلُصَ

اصول كافى جلد 4 صفحه : 227 رواية 5 :

ترجمه:

5- حضرت صادق (ع (فرمود: هرگاه دل يكى از شما رقت كرد (و نرم شد) در آن حال دعا كند، زيرا دل تا پاك نشود رقت نكند.

شـــرح :

مجلسى (ره) گويد: رقت ضد قساوت است و نشانه رقت دل گريه است ، و حاصل اينكه رقت نشانه پاكى دل از دغلى و حسد و افكار باطله و خيالاتى است كه انسانرا از توجه به خداى تعالى سرگرم كند، و خلوص و پاكى دل نشانه و سبب اجابت دعاء است .

-6عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص خَيْرُ وَقْتٍ دَعَوْتُمُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ الْأَسْحَارُ وَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ فِي قَوْلِ يَعْقُوبَ ع سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي وَ قَالَ أَخَّرَهُمْ إِلَى السَّحَرِ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 227 روایة 6 :

ترجمه:
6- حضرت صادق (ع (فرمود: رسول خدا فرموده است : بهترین وقتیکه در آن خدای عزوجل را بخوانید (و دعا بدرگاهش کنید) سحرها است ، و این آیه را که درباره گفتار حضرت یعقوب علیه السلام است تلاوت فرمود: (دعا کردن برای آنها را) بسحر تاءخیر انداخت (و مولکول بوقت سحر کرد.(

-7الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ أَبِي إِذَا طَلَبَ الْحَاجَةَ طَلَبَهَا عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ فَإِذَا أَرَادَ ذَلِكَ قَدَّمَ شَيْئاً فَتَصَدَّقَ بِهِ وَ شَمَّ شَيْئاً مِنْ طِيبٍ وَ رَاحَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَ دَعَا فِي حَاجَتِهِ بِمَا شَاءَ اللَّهُ

اصول کافی جلد 4 صفحه 227 : روایة : 7

ترجمه:
7- حضرت صادق (ع (فرمود: پدرم هرگاه حاجتی از خدا طلب میکرد آنرا هنگام ظهر طلب میکرد، و چون اراده آن را میکرد چیزی می آورد و صدقه میداد، و مقدار کمی عطر میزد و به مسجد می رفت و برای حاجت خود دعا میکرد بدانچه خدا میخواست.

توضیح :

(((و شم شیئا من الطیب))) کنایه از استعمال آن است چناچه ترجمه شد، و نیز مرحوم مجلسی و دیگران گفته اند: و این حدیث دلالت کند که دعا چند شرط دارد (1) هنگام زوال باشد (2) صدقه دادن پیش از آن (3) استعمال عطر (4) به مسجد رفتن .

-8عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا اقْشَعَرَّ جِلْدُكَ وَ دَمَعَتْ عَيْنَاكَ فَدُونَكَ دُونَكَ فَقَدْ قُصِدَ قَصْدُكَ قَالَ وَ رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ سَعِيدٍ مِثْلَهُ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 228 روایة 8 :

ترجمه:
8- و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: هر گاه بدنت لرزید و چشمت گریان شد پس خود را باش ، خود را باش) و بوسیله دعا بگیر از خدای سبحان آنچه خواهی از فیض ره) که به تو توجهی شده است

.

توضيح :

(((قصد قصدك))) آنطور كه ترجمه شد بنابر وجهى است كه فيض (ره) و مجلسى (قده) و ديگران معنا كرده اند بااينكه (((قصد))) به صيغه مجهول خوانده شود و (((قصدك))) نائب فاعل آن باشد يعنى (((بر آورده شدن قصد، و مقصود تو مورد قصد و اراده حق تعالى قرار گرفته است))) و ممكن است (((قصد))) به صيغه معلوم خوانده شود و (((قصدك))) نيز فاعلش باشد ولى باين نحو چناچه مجلسى (ره) گويد بعيد است .

-9عَنْهُ عَنِ الْجَامُورَانِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ صَنْدَلٍ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ كُلَّ عَبْدٍ دَعَّاءٍ فَعَلَيْكُمْ بِالدُّعَاءِ فِي السَّحَرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ تُفَتَّحُ فِيهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ تُقَسَّمُ فِيهَا الْأَرْزَاقُ وَ تُقْضَى فِيهَا الْحَوَائِجُ الْعِظَامُ

اصول كافى جلد 4 صفحه : 228 رواية 9 :

ترجمه:

9- حضرت باقر عليه السلام فرمود: خداى عزوجل از ميان بندگان مؤ منش آن بنده اى را دوست دارد كه بسيار دعا كند، پس بر شما باد به دعا از هنگام سحر تا زدن آفتاب زيرا آن هنگامى است كه درهاى آسمان در آن هنگام باز گردد، و روزيها در آن تقسيم شود، و حاجتهاى بزرگ بر آورده شود.

-10عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ فِي اللَّيْلِ لَسَاعَةً مَا يُوَافِقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ ثُمَّ يُصَلِّي وَ يَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهَا إِلَّا اسْتَجَابَ لَهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ وَ أَيُّ سَاعَةٍ هِيَ مِنَ اللَّيْلِ قَالَ إِذَا مَضَى نِصْفُ اللَّيْلِ وَ هِيَ السُّدُسُ الْأَوَّلُ مِنْ أَوَّلِ النِّصْفِ

اصول كافى جلد 4 صفحه : 228 رواية 10 :

ترجمه:

10- عمر بن اذينه گويد :شنيدم از حضرت صادق (ع) كه مى فرمود: همانا در شب ساعتى است كه درك نكند آنرا بنده مسلمانى كه در آن نماز گزارد و خداى عزوجل را در آن ساعت بخواند (و به درگاهش دعا كند) جز اينكه اجابت شود (و دعايش

مستجاب گردد (واین ساعت در هر شب هست ، عرض کردم : خدایت خیر دهد بفرمائید آن چه ساعتی از شب است ؟ فرمود: هنگامی که نیمی از شب بگذرد، شش یك از اول نیمه شب.

توضیح :

رغبت به معنای میل و شوق و رهبت به معنای ترس و بیم ، و تضرع یعنی فروتنی کردن ، و تبتل به معنای بریدگی و انقطاع بدرگاه خداوند، و ابتهال به معنای زاری کردن است و استعاذه یعنی پناه جستن ، و مسئلت به معنای درخواست کردن است ، اینها ترجمه های فارسی آن است و معانی دیگر آنها در ضمن اخبار بیاید.

1-عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ الرَّغْبَةُ أَنْ تَسْتَقْبِلَ بِبَطْنِ كَفَّيْكَ إِلَى السَّمَاءِ وَ الرَّهْبَةُ أَنْ تَجْعَلَ ظَهْرَ كَفَّيْكَ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَوْلُهُ وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا قَالَ الدُّعَاءُ بِإِصْبَعٍ وَاحِدَةٍ تُشِيرُ بِهَا وَ التَّضَرُّعُ تُشِيرُ بِإِصْبَعَيْكَ وَ تُحَرِّكُهُمَا وَ الِابْتِهَالُ رَفْعُ الْيَدَيْنِ وَ تَمُدُّهُمَا وَ ذَلِكَ عِنْدَ الدَّمْعَةِ ثُمَّ ادْعُ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 229 رواية : 1

باب رغبت و رهبت و تضرع و تبتل و ابتحال و استعاذه و مسئلت

بَابُ الرَّغْبَةِ وَ الرَّهْبَةِ وَ التَّضَرُّعِ وَ التَّبَتُّلِ وَ الِابْتِهَالِ وَ الِاسْتِعَاذَةِ وَ الْمَسْأَلَةِ

ترجمه:

1- ابو اسحاق گوید :حضرت صادق (ع) فرمود: رغبت آن است که کف دو دست خود را بسوی آسمان بداری ، و رهبت آن است که پشت دستهایت را بسوی آسمان بداری . و در گفتار خدای عزوجل : (((و تبتل الیه تبتیلا))) فرمود: تبتل : دعا کردن بیك انگشت اسست که بدانم اشاره کنی ، و تضر علیه السلام این است که با دو. انگشت اشاره کنی و آندو را حرکت دهی ، و ابتهال : بالا بردن هر دو دست است و اینکه آنها را بکشی ، و این موقع اشك ریختن است ، و سپس دعا کن.

شـــــــرح :

مـــجـــلـســـی (ره) گـــویـــد: در ایـــن خـــبـــر و نـــظـــائر آن در مـــعـــنـــای رغـــبـــت دو احتمال است :
اول : ایـــنـــکه معنی این باشد که اگر در حال دعا شوق و امید بر او غالب شد سزاوار است که دو کف دستهای خود را به آسمان باز دارد که گویا می خواهد رحمت خدا را دریافت کند، و اگـــر تـــرس و بـــیـــم بر او غالب آمد از اینکه دعایش به اجابت رسد پشت دو دست را به آســـمـــان کـــنـــد کـــنایه از اینکه به خاطر بسیاری گناه سزاوار حرمان است اگر چه مقتضای کرم وجود خداوند فضل و احسان به اوست .
دوم : مـــعـــنـــی ایـــن بـــاشـــد کـــه اگر برای سودی دعا می کند سزاوار است دو کف را به طرف آســـمـــان بردارد، و اگر دعا برای دفع زیانی است که از آمدن آن ترسان است پشت دستها را بـــه آســـمـــان کند که گویا آن را دفع می کند.. تا اینکه گوید: و طبرسی گفته است : تـــبـــتـــل بـــه مـــعـــنـــی انـــقـــطـــال بـــه درگـــاه خـــدا اســـت بـــرای عـــبـــادت ، و اخـــلاص عمل برای او واصل آن از (((بتل الشی ء))) به معنی بریدن و قطع کردن آن است و از این رو فـــاطـــمـــه (عـــلیـــه الســـلام) را بـــتـول گفتند: چون با عبادت خدا از دیگران بریده بود، ســـپـــس مـــجـــلـســـی (ره) گـــویـــد: مـــحـــتنل است معنای حدیث این باشد که این قسم بهترین اقسام تـــبـــتـــلی اســـت کـــه خـــداوند فرموده ، و اشاره با انگشت ممکن است اشاره به بلندی و پستی بـــاشـــد، و حرکت دادن انگشتان اشاره به چپ و راست باشد، و گفته شده : بلندی و پستی اشاره به اینست که پروردگارا نمیدانم آیا مرا بلند گردانیده یا پست کرده ای ، و حرکت دادن بـــه چـــپ و راست اشاره بدان است که نمی دانم آیا از اصحاب یمین هستم یا از اصحاب شمال .

-2عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَ م ا يَتَضَرَّعُونَ فَقَالَ الِاسْتِكَانَةُ هُوَ الْخُضُوعُ وَ التَّضَرُّعُ هُوَ رَفْعُ الْيَدَيْنِ وَ التَّضَرُّعُ بِهِمَا

اصول کافی جلد 4 صفحه : 230 رواية : 2

ترجمه:

2- محمد بن مسلم گوید: از حضرت باقر (ع) پرسیدم از (تفسیر) گفتار خدای عزوجل : (((پس فروتن نشدند برای پروردگار خویش و زاری نکردند))) (سوره مؤ منون آیه 76) فرمود :استکانت همان فروتنی است و تضر علیه السلام بلند کردن هر دو دست و زاری کردن بدانها است.

-3مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ جَمِيعاً عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي خَالِدٍ عَنْ مَرْوَكٍ بَيَّاعِ اللُّؤْلُؤِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ ذَكَرَ

الرَّغْبَةَ وَ أَبْرَزَ بَاطِنَ رَاحَتَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ هَكَذَا الرَّهْبَةُ وَ جَعَلَ ظَهْرَ كَفَّيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ هَكَذَا التَّضَرُّعُ وَ حَرَّكَ أَصَابِعَهُ يَمِيناً وَ شِمَالًا وَ هَكَذَا التَّبَتُّلُ وَ يَرْفَعُ أَصَابِعَهُ مَرَّةً وَ يَضَعُهَا مَرَّةً وَ هَكَذَا الِابْتِهَالُ وَ مَدَّ يَدَهُ تِلْقَاءَ وَجْهِهِ إِلَى الْقِبْلَةِ وَ لَا يَبْتَهِلُ حَتَّى تَجْرِيَ الدَّمْعَةُ

اصول كافى جلد 4 صفحه : 230 رواية : 3

ترجمه:

3- حضرت صادق (ع (رغبت را ذكر كرد و درون دو كف خود را به طرف آسمان باز كرد (يعنى رغبت چنين است) و اما رهبت چنين است : و پشت دو دست را به طرف آسمان كرد، و اما تضرع چنين است : و انگشتانش را بر است و چپ گردانيد، و تبتل چنين است : و انگشتانش را بالا مى برد و پائين مى آورد، و ابتهال چنين است : و دست خود را تا برابر رويش به جانب قبله كشيد (فرمود) و ابتهال نباشد تا اشك روان شود.

-4عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَرَّ بِي رَجُلٌ وَ أَنَا أَدْعُو فِي صَلَاتِي بِيَسَارِي فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ بِيَمِينِكَ فَقُلْتُ يَا عَبْدَ اللَّهِ إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى حَقّاً عَلَى هَذِهِ كَحَقِّهِ عَلَى هَذِهِ وَ قَالَ الرَّغْبَةُ تَبْسُطُ يَدَيْكَ وَ تُظْهِرُ بَاطِنَهُمَا وَ الرَّهْبَةُ تَبْسُطُ يَدَيْكَ وَ تُظْهِرُ ظَهْرَهُمَا وَ التَّضَرُّعُ تُحَرِّكُ السَّبَّابَةَ الْيُمْنَى يَمِيناً وَ شِمَالًا وَ التَّبَتُّلُ تُحَرِّكُ السَّبَّابَةَ الْيُسْرَى تَرْفَعُهَا فِي السَّمَاءِ رِسْلًا وَ تَضَعُهَا وَ الِابْتِهَالُ تَبْسُطُ يَدَيْكَ وَ ذِرَاعَيْكَ إِلَى السَّمَاءِ وَ الِابْتِهَالُ حِينَ تَرَى أَسْبَابَ الْبُكَاءِ

اصول كافى جلد 4 صفحه : 230 رواية : 4

ترجمه:

4- محمد بن مسلم گويد :شنيدم حضرت صادق (ع) مى فرمود: مردى به من گذر كرد و من با دست چپ در نماز دعا مى كردم ، پس گفت : يا ابا عبداللّه با دست راستت (دعاكن) من گفتم : اى بنده خدا همانا براى خداى تبارك و تعالى بر اين هم حقى است مانند حقى كه بدان دارد.
مجلسى (ره) گويد: (((ممكن است آن حضرت دست چپ را با دست راست بلند كرده بوده و ممكن است بدون دست راست بوده مانند نماز وتر، و گويا سائل نادان پيش خود فكر كرده كه دست راست اشرف است ولى بى خبر بوده از اينكه همه بدن را از عذاب سهمى است ، كه بايد از آن پناه جست ، و

نیز برای هر کدام از اعضاء بدن بسوی پروردگار در هستی و بقاء و پرورش نیازی است ، بلکه چپ در این جا مناسب تر است ، زیرا نویسنده گناهان در سمت چپ است و گناهان از جانب نفس که میل به شهوت و لذت و اعمال پست دنیائی است بیاید. و جواب آن حضرت به آن مرد پس از نماز بوده ، و محتمل است که مقصود آن حضرت که فرماید: (((در نماز دعا می کردم))) یعنی در تعقیب نماز بودم و آنرا تاءیید کند آنچه بیاید در باب دعای بعد از نمازها (در دعائی) که دست راست را بریش بگیرد و دست چپ را بسوی آسمان بلند کند))) برگردیم به دنباله حدیث (4:(
و فرمود: رغبت این است که : هر دو دست را بگشائی و درون آنها را آشکار کنی ، و رهبت این است که : دو دست را بگشائی و پشت آندو را ظاهر سازی ، و تضرع آنست که : انگشت سبابه راست را براست و چپ بجنبانی ، و تبتل : جنبانیدن انگشت (سبابه) چپ است که آنرا به آرامی بسوی آسمان بالا بری و پائین آوری ، و ابتهال آنست که : هم دستها و هم دو ذراع را بسوی آسمان بگشائی ، و ابتهال در وقتی است که ببینی وسائل گریه فراهم شده است.

توضیح :

مجلسی (ره) گوید: این خبر چون تفسیری بر اخبار گذشته است .

-5عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الدُّعَاءِ وَ رَفْعِ الْيَدَيْنِ فَقَالَ عَلَى أَرْبَعَةِ أَوْجُهٍ أَمَّا التَّعَوُّذُ فَتَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ بِبَاطِنِ كَفَّيْكَ وَ أَمَّا الدُّعَاءُ فِي الرِّزْقِ فَتَبْسُطُ كَفَّيْكَ وَ تُفْضِي بِبَاطِنِهِمَا إِلَى السَّمَاءِ وَ أَمَّا التَّبَتُّلُ فَإِيمَاءٌ بِإِصْبَعِكَ السَّبَّابَةِ وَ أَمَّا الِابْتِهَالُ فَرَفْعُ يَدَيْكَ تُجَاوِزُ بِهِمَا رَأْسَكَ وَ دُعَاءُ التَّضَرُّعِ أَنْ تُحَرِّكَ إِصْبَعَكَ السَّبَّابَةَ مِمَّا يَلِي وَجْهَكَ وَ هُوَ دُعَاءُ الْخِيفَةِ
اصول کافی جلد 4 صفحه : 231 رواية : 5

ترجمه:
-5 ابو بصیر گوید :از حضرت صادق (ع) از دعا کردن و بلند کردن دستها پرسیدم فرمود: اما برای پناه بردن به خدای (از شر دشمنان) درون دستهای خود را به طرف قبله کنی ، و اما در دعای برای روزی دستهای خود را باز کنی و درون آندو را به سوی آسمان بداری ، و اما تبتل پس آن اشاره

کردن با انگشت سبابه است ، و اما ابتهال : بلند کردن دستها است بطوری که از سرت بگذرد، و دعای تضرع این است که انگشت سبابه را در برابر رویت به جنبانی و آن دعای خیفه (و هراس) است.

شـــــرح :

مجلسی (ره) گوید: ظاهر آنست که مقصود از تعوذ پناه بردن از شر دشمنان است ، و ممکن است آنرا تعمیم داد که دشمنان باطن را هم چون نفس و شیطان شامل شود، و این حالت (یعنی حالتی که امام (علیه السلام) در تعوذ فرمود) حالت نهایت بیچارگی است ، زیرا کسی که سنگی یا شمشیری یا نیزه ای را بیند اینگونه دست خود را سپر سازد تا آنها را از اعضاء شریف بدن خود دور سازد.

6-مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَا اسْتَكانُوا لِرَبِّهِمْ وَ م ا يَتَضَرَّعُونَ قَالَ الِاسْتِكَانَةُ هِيَ الْخُضُوعُ وَ التَّضَرُّعُ رَفْعُ الْيَدَيْنِ وَ التَّضَرُّعُ بِهِمَا

اصول کافی جلد 4 صفحه : 232 رواية : 6

ترجمه:

6- (این خبر مانند حدیث (2) است که با ترجمه اش گذشت.)

7-عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ زُرَارَةَ قَالا قُلْنَا لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع كَيْفَ الْمَسْأَلَةُ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَالَ تَبْسُطُ كَفَّيْكَ قُلْنَا كَيْفَ الِاسْتِعَاذَةُ قَالَ تُفْضِي بِكَفَّيْكَ وَ التَّبَتُّلُ الْإِيمَاءُ بِالْإِصْبَعِ وَ التَّضَرُّعُ تَحْرِيكُ الْإِصْبَعِ وَ الِابْتِهَالُ أَنْ تَمُدَّ يَدَيْكَ جَمِيعاً

اصول کافی جلد 4 صفحه : 232 رواية : 7

ترجمه:

7- محمد بن مسلم و زراره گویند: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردیم : مسئلت بدرگاه خدا چگونه است ؟ فرمود: دو دست خود را باز کنی ، عرض کردیم : استعاذه چگونه است ؟ فرمود :هر دو کف دست خود را بجانب فضا کنی (مانند کسی که می خواهد دست به دیوار بگذارد و خلاصه اینکه کف

دستها را بطرف قبله می گیری از مجلسی ره) و تبتل : اشاره با انگشت است ، و تضرع : جنبانیدن انگشت است ، و ابتهال اینست که هر دو را با هم بکشی.

توضیح :

مجلسی (ره) گوید: عارف ربانی در کتاب عدة الداعی گفته است : این حالات و هیئتهائی که در این اخبار ذکر شده است یا تعبد است برای علتی که ما آن را نمی دانیم ، و یا (برای بعضی مناسبات عرفی) مثلا:

مقصود از گشودن دستها در حال رغبت و شوق بخاطر این است که این حال و کیفیت بحال شخص امیدوار بفضل خدا نزدیك تر است ، و مانند کسی است که دستهای خود را برای ریزش احسان در آنها باز کرده .

و در رهبت گویا بنده بزبان خواری و بیمقداری بعالم خفیات و اسرار عرضه می دارد: پروردگارا من بباز کردن کف دست بسوی تو اقدام نکردم و روی آنها را بواسطه شرمندگی و خواری بطرف زمین متوجه کرده ام .

و مقصود بجنباندن انگشتان بطرف راست و چپ در حال تضرع اینست که خود را بآنکس که فرزند مرده است شبیه سازد زیرا چنین کسی در آنحال دستها را باین سو و آن سو کند.

و در حال تبتل که انگشتان را گاهی بالا برد و گاهی پائین آورد مقصود این است که گویا بزبان حال به بر آورنده حاجات و آمال عرض کند: من از همه بریدم و بدرگاه تو رو آوردم و با یك انگشت اشاره کند که نشانه یگانگی خداوند است .

و مقصود از کشیدن دستها بسوی قبله در برابر رو در حال ابتهال ، یا کشیدن دو دست و دو ذراع بسوی آسمان ، یا کشیدن دستها و گذراندن از سر، بحسب اختلافاتی که در روایات بود، آن است که این یك نوع از انواع عبادتها و اظهار کوچکی و خواری است ، یا مانند غریقی است که دستهای لخت خود را از آب بر آورده و به دامن رحمتش آویزان در آویخته .

باب گریه

بَابُ الْبُكَاءِ

-1عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ كَيْلٌ وَ وَزْنٌ إِلَّا الدُّمُوعُ فَإِنَّ الْقَطْرَةَ تُطْفِئُ بِحَاراً مِنْ نَارٍ فَإِذَا اغْرَوْرَقَتِ الْعَيْنُ بِمَائِهَا لَمْ يَرْهَقْ وَجْهاً قَتَرٌ وَ لَا ذِلَّةٌ فَإِذَا فَاضَتْ حَرَّمَهُ اللَّهُ عَلَى النَّارِ وَ لَوْ أَنَّ بَاكِياً بَكَى فِي أُمَّةٍ لَرُحِمُوا
اصول كافى جلد 4 صفحه : 233 رواية : 1

ترجمه:
1- حضرت صادق (ع (فرمود: هيچ چيزى نيست جز اينكه پيمانه و وزنى دارد جز گريه كه يك قطره اش دريائى از آتش را خاموش سازد، و چون چشم باشك خود پر شود (و اشك در آن حلقه بزند) آن چهره پريشانى و خوارى نبيند، و چون اشك بريزد خدا آنرا بر آتش دوزخ حرام كند، و اگر هر آينه در ميان يك امت يك نفر گريان باشد همه آنها مورد ترحم قرار گيرند.

-2عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ وَ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَا مِنْ عَيْنٍ إِلَّا وَ هِيَ بَاكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا عَيْناً بَكَتْ مِنْ خَوْفِ اللَّهِ وَ مَا اغْرَوْرَقَتْ عَيْنٌ بِمَائِهَا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ سَائِرَ جَسَدِهِ عَلَى النَّارِ وَ لَا فَاضَتْ عَلَى خَدِّهِ فَرَهِقَ ذَلِكَ الْوَجْهَ قَتَرٌ وَ لَا ذِلَّةٌ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ كَيْلٌ وَ وَزْنٌ إِلَّا الدَّمْعَةُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُطْفِئُ بِالْيَسِيرِ مِنْهَا الْبِحَارَ مِنَ النَّارِ فَلَوْ أَنَّ عَبْداً بَكَى فِي أُمَّةٍ لَرَحِمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ تِلْكَ الْأُمَّةَ بِبُكَاءِ ذَلِكَ الْعَبْدِ
اصول كافى جلد 4 صفحه : 233 رواية : 2

ترجمه:
-2و نيز آن حضرت عليه السلام فرمود: هيچ چشمى نيست جز اينكه روز قيامت گريان است مگر چشميكه از ترس خدا گريسته باشد، و هيچ چشمى نيست كه از ترس خداى عزوجل باشك خود پر شود جز اينكه خداى عزوجل همه آن بدن را با آتش دوزخ حرام گرداند، و آن اشك بر گونه اى روان نگردد كه گرد پريشانى و خوارى ببيند، و هيچ چيزى نيست جز اينكه پيمانه و وزنى دارد مگر اشك كه همانا خداى عزوجل به اندكى از آن درياهائى از آتش را خاموش كند، پس اگر بنده اى در ميان يك امتى بگريد خداى عزوجل بخاطر گريه آن بنده بهمه آن امت رحم كند.

3-عَنْهُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُثَنًّى الْحَنَّاطِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ قَطْرَةِ دُمُوعٍ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ مَخَافَةً مِنَ اللَّهِ لَا يُرَادُ بِهَا غَيْرُهُ

اصول كافى جلد 4 صفحه : 234 رواية : 3

ترجمه:

3-حضرت باقر (ع (فرمود: هيچ قطره اى نزد خدا محبوبتر نيست از آن اشكى كه در تاريكى شب از ترس خدا بريزد و جز خدا چيز ديگرى بآن منظور نباشد.

4-عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ صَالِحِ بْنِ رَزِينٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ وَ غَيْرِهِمَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كُلُّ عَيْنٍ بَاكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً عَيْنٌ غُضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ سَهِرَتْ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ بَكَتْ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ

اصول كافى جلد 4 صفحه : 234 رواية : 4

ترجمه:

4-حضرت صادق (ع (فرمود: هر چشمى در روز قيامت گريان است جز سه چشم چشمى كه از (ديدن و نظريه (آنچه خداوند حرام كرده بر هم نهاده شده ، و چشمى كه در راه اطاعت خداوند بيدارى كشيده ، و چشمى كه در دل شب از ترس خدا گريسته است.

شـــــرح :

مـــجـــلســـى (ره) گويد: (((عين سهرت))) يعنى بيش از مقدار متعارف و عادت بيدار بوده ، و طـــاعـــت خـــدا چـــون نـــمـــاز و تـــلاوت قـــرآن و دعـــا و مـــطـــالعـــه عـــلوم ديـــنيه و در راه جهاد و حج و زيـــارتـــهـــاى ديـــگـــر و هـــر چـــه بـــراى خـــداى ســـبـــحـــان اطـــاعـــت بـــاشـــد شامل شود.

5-ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ وَ دُرُسْتَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ كَيْلٌ وَ وَزْنٌ إِلَّا الدُّمُوعَ فَإِنَّ الْقَطْرَةَ مِنْهَا تُطْفِئُ بِحَاراً مِنَ النَّارِ فَإِذَا اغْرَوْرَقَتِ الْعَيْنُ بِمَائِهَا لَمْ يَرْهَقْ وَجْهَهُ قَتَرٌ وَ لَا ذِلَّةٌ فَإِذَا فَاضَتْ حَرَّمَهُ اللَّهُ عَلَى النَّارِ وَ لَوْ أَنَّ بَاكِياً بَكَى فِي أُمَّةٍ لَرُحِمُوا

اصول كافى جلد 4 صفحه : 234 رواية : 5

ترجمه:

(-5این حدیث مانند حدیث (1) است که با ترجمه اش گذشت.)

-6ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِهِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى مُوسَى ع أَنَّ عِبَادِي لَمْ يَتَقَرَّبُوا إِلَيَّ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ قَالَ مُوسَى يَا رَبِّ وَ مَا هُنَّ قَالَ يَا مُوسَى الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا وَ الْوَرَعُ عَنِ الْمَعَاصِي وَ الْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَتِي قَالَ مُوسَى يَا رَبِّ فَمَا لِمَنْ صَنَعَ ذَا فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ يَا مُوسَى أَمَّا الزَّاهِدُونَ فِي الدُّنْيَا فَفِي الْجَنَّةِ وَ أَمَّا الْبَكَّاءُونَ مِنْ خَشْيَتِي فَفِي الرَّفِيعِ الْأَعْلَى لَا يُشَارِكُهُمْ أَحَدٌ وَ أَمَّا الْوَرِعُونَ عَنْ مَعَاصِيَّ فَإِنِّي أُفَتِّشُ النَّاسَ وَ لَا أُفَتِّشُهُمْ

اصول کافی جلد 4 صفحه 234 : رواية : 6

ترجمه:

-6حضرت صادق (ع) فرمود: خدای عزوجل به موسی علیه السلام وحی فرمود: که همانا بندگان من به من تقرب نجستند به چیزی که محبوبتر باشد نزد من از سه خصلت ، موسی عرض کرد :پروردگارا آنها کدام است ؟ فرمود: زهد درباره دنیا (و بی اعتنائی بدان) و ورع (و پارسائی) از نافرمانیها و معاصی ، و گریه از ترس من ، موسی عرض کرد : پروردگارا هر که اینها را به جا آورد چه پاداشی دارد؟ خدای عزوجل به موسی وحی کرد: ای موسی اما آنانکه درباره دنیا زهد ورزیدند در بهشت باشند، و اما آنانکه از ترس من گریه کنند در بلندترین منازلند، واحدی در آن منازل با آنها شریك نباشد، و اما آنها که از نافرمانیهای من بپرهیزند پس من که همه مردم را (در روز قیامت) بازرسی و تفتیش کنم آنها را بازرسی و تفتیش نکنم.

شـــــرح :

مجلسی (ره) گوید: رفیع اعلی آن مکان بلندی است که در بهشت بلندترین منزلها است ، و آن مسکن انبیاء و اولیاء است ، و مقصود از اینکه (در دسته سوم) فرمود: آنها را بازرسی و تفتیش نکنم یعنی آنها بی حساب به بهشت روند.

-7عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَكُونُ أَدْعُو فَأَشْتَهِي الْبُكَاءَ وَ لَا يَجِيئُنِي وَ رُبَّمَا ذَكَرْتُ بَعْضَ مَنْ مَاتَ مِنْ أَهْلِي فَأَرِقُّ وَ أَبْكِي فَهَلْ يَجُوزُ ذَلِكَ فَقَالَ نَعَمْ فَتَذَكَّرْهُمْ فَإِذَا رَقَقْتَ فَابْكِ وَ ادْعُ رَبَّكَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى

اصول كافى جلد 4 صفحه 235 : رواية : 7

ترجمه:

-7اسحاق بن عمار گويد: به حضرت صادق (ع) عرض كردم : من دعا مى كنم و ميل دارم گريه)نيز) بكنم ولى گريه ام نمى آيد، و بسا بياد برخى از مردگان خانواده خودم ميافتم پس رقت مى كنم و گريه كنم آيا اين كار درست است ؟ فرمود: آرى آنها را بياد آور و چون رقت كردى گريه كن و پروردگار تبارك و تعالى را بخوان) و بدرگاهش دعا كن.(

-8مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَنْبَسَةَ الْعَابِدِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنْ لَمْ تَكُنْ بِكَ بُكَاءٌ فَتَبَاكَ

اصول كافى جلد 4 صفحه 235 : رواية : 8

ترجمه:

-8حضرت صادق (ع (فرمود: اگر گريه ندارى خود را به گريه وادار كن (يا مانند گريه كن بنما.(

-9عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ بَيَّاعِ السَّابِرِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنِّي أَتَبَاكَى فِي الدُّعَاءِ وَ لَيْسَ لِي بُكَاءٌ قَالَ نَعَمْ وَ لَوْ مِثْلَ رَأْسِ الذُّبَابِ

اصول كافى جلد 4 صفحه 235 : رواية : 9

ترجمه:

-9سعيدين يسار گويد: به حضرت صادق عرض كردم : من در حال دعا خود را به گريه وادار كنم اگر چه گريه ندارم ؟ فرمود: آرى گر چه به اندازه سرمگسى باشد.

-10عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لِأَبِي بَصِيرٍ إِنْ خِفْتَ أَمْراً يَكُونُ أَوْ حَاجَةً تُرِيدُهَا فَابْدَأْ بِاللَّهِ

وَ مَجِّدْهُ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ص وَ سَلْ حَاجَتَكَ وَ تَبَاكَ وَ لَوْ مِثْلَ رَأْسِ الذُّبَابِ إِنَّ أَبِي ع كَانَ يَقُولُ إِنَّ أَقْرَبَ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ الرَّبِّ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ سَاجِدٌ بَاكٍ

اصول كافى جلد 4 صفحه : 235 رواية : 10

ترجمه:

-10على بن اءبى حمزه گويد: حضرت صادق (ع) باءبى بصير فرمود: اگر از وقوع چيزى ترس داشتى يا حاجتى خواستى بنام خدا (دعا را) آغاز كن ، و او را تمجيد كن و ستايشش كن چنانچه شايسته آن است ، و بر پيغمبر صلى اللّه عليه و آله صلوات بفرست و حاجت خود را بخواه و خود را به گريه وادار كن اگر چه به اندازه سرمگسى باشد، همانا پدرم هميشه مى فرمود: نزديكترين حالى كه بنده به پروردگار عزوجل دارد آنزمانى است كه در سجده باشد و گريان.

-11عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْبَجَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنْ لَمْ يَجِئْكَ الْبُكَاءُ فَتَبَاكَ فَإِنْ خَرَجَ مِنْكَ مِثْلُ رَأْسِ الذُّبَابِ فَبَخْ بَخْ

اصول كافى جلد 4 صفحه : 236 رواية : 11

ترجمه:

-11و نيز آن حضرت عليه السلام فرمود: اگر گريه ات نيايد خود را به گريه وادار كن ، پس اگر از ديده ات به اندازه سرمگسى اشك بيرون آمد پس به به (خوشا بر احوالت.)

باب ستايش و ثناء پيش از دعا

بَابُ الثَّنَاءِ قَبْلَ الدُّعَاءِ

1-أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِيَّاكُمْ إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَسْأَلَ مِنْ رَبِّهِ شَيْئاً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ حَتَّى يَبْدَأَ بِالثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمَدْحِ لَهُ وَ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ ص ثُمَّ يَسْأَلَ اللَّهَ حَوَائِجَهُ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 236 رواية : 1

ترجمه:

1- حارث بن مغيره گويد: شنيدم حضرت صادق (ع) مى فرمود: مبادا چون يكى از شما بخواهد از پروردگار خويش چيزى از حاجات دنيا و آخرت مسئلت كند بدان مبادرت ورزد تا به ستايش او و صلوات بر پيغمبر صلى اللّه عليه و آله سخن خود را آغاز كند، و سپس حاجات خود را بخواهد.

2-مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ فِي كِتَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ص إِنَّ الْمِدْحَةَ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ فَإِذَا دَعَوْتَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَجِّدْهُ قُلْتُ كَيْفَ أُمَجِّدُهُ قَالَ تَقُولُ يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا فَعَّالًا لِمَا يُرِيدُ يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى يَا مَنْ هُوَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْ‏ءٌ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 236 رواية : 2

ترجمه:

2-محمد بن مسلم گويد: حضرت صادق (ع) فرمود: همانا در كتاب امير المؤ منين عليه السلام است كه ستايش پيش از درخواست است ، پس هر گاه خداى عزوجل را خواندى (و به درگاهش دعا كردى) او را تمجيد كن ، عرض كردم : چگونه تمجيدش كنم ؟ فرمود))) :اى كسى كه به من از رگ گردن نزديك ترى ، اى كسى كه هر چه را بخواهى انجام دهنده آنى ، و اى كسى ميان مرد و دلش حائل شوى ، و اى كسيكه در برترين نظر اندازه هائى ، و اى آنكه به مانندش چيزى نيست.

شـــــرح :

مجلسى (ره) در جمله (((يامن يحول بين المرء و قلبه))) چند وجه گفته است :

اول : اينكه كنايه از نزديكى خداوند به بندگانش مى باشد زيرا كسى

که حائل بین دو چیز شد بدان چیز نزدیك تر از دیگر است .

دوم : اشــاره بــایــنــســت که او بر مکنوناتی از دلها آگاه است که شاید صاحبان آنها از آن بــی خــبــر بــاشــنــد و در روایــتی نیز هست که فرمود: معنای این جمله اینست که دلها نتوانند چیزی را از خداوند مخفی و پنهان دارند.

ســوم : یــعــنــی بــوســیــله مرگ بین انسان و دلش جدائی اندازند و این جمله دعا برای وادار کردن مردم است باینکه بپاك کردن دلهاشان مبادرت ورزند پیش از آنکه خداوند بسبب مرگ بین آنها و دلها جدائی اندازد..

چــهــارم : ایــنــکــه کــنــایه از اینست که خداست که مالك دلهای بندگان است هر تصمیمی که گرفته باشند بهم زند و مقاصد او را تغییر دهد و او را بحالت مختلف بگرداند از ذکر بفراموشی و از فراموشی بذکر، و از ترس بآسودگی خاطر و از آسودگی بترس ... و در حدیث است که دل مؤ من میان دو انگشت او است بهر سو که خواهد بگرداند، و در دعا است (((یا مقلب القلوب))).

پــنــجــم : آنــچــه از دو حــدیــث از تــفــســیــر عــیــاشــی آمــده کــه مــعــنــایــش ایــنــســت کــه حایل می شود میان انسان و میان اینکه باطل را از حق تمیز دهد.

شــشــم : یــعــنــی او را از آنــچــه در دلش نــهــفــتــه اســت غافل کنی .

و در جــمــلــه (((یــا من هو بالمنظر الا علی))) گوید: در قاموس گفته : (((منظر))) چیزی است کــه بــدان نــگــاه کــنــی و شــایــد حــضــرت (عــلیــه السلام) مکانت و درجه رفیعه معنویه را بــمــکــانــهــای بــلــنــد ظــاهری تشبیه فرموده ، پس این یا کنایه از اطلاع او است بر تمامی مخلوقات ، زیرا کسی که در جای بلندی بود مشرف بر پائین آن هست و اطلاع بر آن دارد، و یــا کنایه از تسلط و اقتدار او بر آنچه بجز او است از ممکنات ، و یا کنایه از نرسیدن خــردهــا و انــدیــشــه ها بساحت معرفت او است ، و متحمل است (((منظر))) از نظر بمعنای فکری باشد یعنی او بالاتر است از اینکه افکار خلق بدو رسد.

-3عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّمَا هِيَ الْمِدْحَةُ ثُمَّ الثَّنَاءُ ثُمَّ الْإِقْرَارُ بِالذَّنْبِ ثُمَّ الْمَسْأَلَةُ إِنَّهُ وَ اللَّهِ مَا خَرَجَ عَبْدٌ مِنْ ذَنْبٍ إِلَّا بِالْإِقْرَارِ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 237 رواية : 3

ترجمه:

-3حضرت صادق (ع (فرمود: جز این نیست که (آداب دعا) همان مدح است ، وسپس ستایش ، و بـعد اقرار به گناه ، آنگاه در خواست ، همانا بخدا سوگند هیچ بنده ای از گناه بیرون نشده جز باقرار بآن.

شــــرح :

مـــجـــلسی (ره) گوید: شاید مراد از مدح بیان آن چیزهائی است که دلالت بر بزرگواری ذات و صـــفـــات او دارد بدون ملاحظه نعمت ، و مراد بستایش وثناء: اعتراف به نعمتهای او و شکرگزاری بر آنها است .

-4وَ عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ ثُمَّ الثَّنَاءُ ثُمَّ الِاعْتِرَافُ بِالذَّنْبِ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 238 رواية : 4

ترجمه:

-4و نـیـز بـعـد از آنحضرت علیه السلام مانند حدیث گذشته روایت شده جز اینکه در این حـدیـث فـرمـوده : سـپـس ستایش و بعد از اعتراف بگناه (بجای اقرار که در حدیث گذشته بود اعتراف ذکر شده.(

-5الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَدْعُوَ فَمَجِّدِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ احْمَدْهُ وَ سَبِّحْهُ وَ هَلِّلْهُ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ ثُمَّ سَلْ تُعْطَ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 238 رواية : 5

ترجمه:

-5حارث بن مغیره گوید :که حضرت صادق (ع) فرمود: هرگاه خواهی دعا کنی پس خدای عزوجل را تـمـجـیـد کـن ، و سـپـاسـگـزار و او را تـسـبـیـح و تـهـلـیـل بـگـو و او را ثـنـا گـوی (و سـتـایـش کـن) و بـر مـحـمـد (ص) و آل او صلوات فرست سپس درخواست کن تا بتو داده شود.

شـــــرح :

مـــجـــلســـی (ره) گـــویـــد: گـــاهی گفته شود که تمجید گفتن (((اللّه اکبر))) است ، و تحمید (((الحـــمـــدللّه))) اســـت ، و تـــســـبـــیـــح (((ســـبـــحـــان))) اســـت ، و تـــهـــلـــیـــل (((لا اله الا اللّه))) اســـت ، و ثـــنـــاء آن اســـت که نعمتهائی که خداوند بر بنده عطا فـــرمـــوده بـــشـــمـــارد، ولی دور نـــیـــســـت کـــه مـــعـــانـــی ایـــنـــهـــا را تـــعـــمـــیـــم دهـــیـــم کـــه شـــامـــل گـــردد هر چه را باین معانی برسانند و اختصاصی باین الفاظ مخصوص نداشته باشد چنانچه تمجید بر (((لا حول و لا قوة الا باللّه))) نیز اطلاق شده است .

-6أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا طَلَبَ أَحَدُكُمُ الْحَاجَةَ فَلْيُثْنِ عَلَى رَبِّهِ وَ لْيَمْدَحْهُ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا طَلَبَ الْحَاجَةَ مِنَ السُّلْطَانِ هَيَّأَ لَهُ مِنَ

الْكَلَامِ أَحْسَنَ مَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَإِذَا طَلَبْتُمُ الْحَاجَةَ فَمَجِّدُوا اللَّهَ الْعَزِيزَ الْجَبَّارَ وَ امْدَحُوهُ وَ أَثْنُوا عَلَيْهِ تَقُولُ يَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَى وَ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ يَا أَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَداً يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ وَ يَقْضِي مَا أَحَبَّ يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْ‏ءٌ يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ وَ أَكْثِرْ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنَّ أَسْمَاءَ اللَّهِ كَثِيرَةٌ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ قُلِ اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ مَا أَكُفُّ بِهِ وَجْهِي وَ أُؤَدِّي بِهِ عَنْ أَمَانَتِي وَ أَصِلُ بِهِ رَحِمِي وَ يَكُونُ عَوْناً لِي فِي الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ وَ قَالَ إِنَّ رَجُلًا دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَجَّلَ الْعَبْدُ رَبَّهُ وَ جَاءَ آخَرُ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ أَثْنَى عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ وَ آلِهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص سَلْ تُعْطَ

اصول كافى جلد 4 صفحه : 238 رواية : 6

ترجمه:

-6و نيز حضرت صادق) ع) فرمود: هرگاه يك از شما حاجتى خواهد پس پروردگار را ستايش كند و او را مدح گويد، زيرا چون مردى از سلطان حاجتى خواهد بهترين سخنى كه توانائى آن را دارد براى او آماده سازد، پس چون حاجتى خواستى پس خداى عزوجل جبار را تمجيد كنيد و او را مدح گوييد و ستايش كنيد (و با اين بيان) مى گويى : (((يا اجود من اعطى ، و يا خير من سئل ، يا ارحم من استرحم ، يا احد يا صمد، يا من لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا احد، يا من لم يتخذ صاحبة و لا ولدا، يا من يفعل ما يشاء و يحكم ما يريد و يقضى ما اعحب ، يا من يحول بين المرء و قلبه ، يا من هو بالمنظر الاعلى ، يا من ليس كمثله شى ء، يا سميع يا بصير))) و از نامهاى خداى عزوجل بسيار بگو، زيرا نامهاى خدا بسيار است و صلوات فرست بر محمد (ص) و آلش بگو: (((اللهم اوسع على من رزقك الحلال ما اعكف به وجهى واؤ دى به عن امانتى و اعصل به رحمى و يكون عونا فى الحج العمرة.(((
و فرمود: مردى وارد مسجد شد و دو ركعت نماز خواند و از خداى عزوجل در خواست كرد، رسول خدا (ص) فرمود: اين بنده نسبت (بدرخواست از) پروردگارش شتاب كرد، مردى ديگر آمد و دو ركعت نماز خواند سپس خداى عزوجل ثناء خواند (و او را ستايش كرد) و بر

پیغمبر و آلش صلوات فرستاد، پس رسول خدا (ص)
فرمود: (اکنون) درخواست کن که بتو داده شود.

توضیح:

در حدیث (2) دعایی بود که هم ترجمه بفارسی شد و هم شرح بعضی از فقرات آن را در آخر حدیث ذکر کردیم ، ولی چون از این پس آخر کتاب دعا بیشتر احادیث مشتمل بر دعاهایی است که رسول خدا (ص) یا ائمه معصومین صلوات اللّه علیهم اجمعین دستور خواندن آنها را فرموده اند، و ترجمه و شرح آن برای خوانندگان پارسی بسیار کم فائده بود، زیرا با دستور و سیره ای که بر خواندن دعاها بمتن عربی آن رسیده ، و از طرفی تمامی این دعاها در کتب ادعیه با ترجمه اش برای کسانیکه بخواهند از معانی آن استفاده کنند موجود بود، بدین جهت حدیثهایی که از این پس مشتمل بر دعا است ، قسمتی از آن که مربوط بکیفیت خواندن آن دعا است و یا چیزهای دیگری که از متن دعا مورد نظر بیرون است ترجمه خواهد شد، ولی از ترجمه متن دعاها خودداری می شود جز در پاره ای از موارد که مناسب باشد.

-7مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ دَخَلَ رَجُلٌ الْمَسْجِدَ فَابْتَدَأَ قَبْلَ الثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ وَ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَاجَلَ الْعَبْدُ رَبَّهُ ثُمَّ دَخَلَ آخَرُ فَصَلَّى وَ أَثْنَى عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ صَلَّى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص سَلْ تُعْطَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ ع إِنَّ الثَّنَاءَ عَلَى اللَّهِ وَ الصَّلَاةَ عَلَى رَسُولِهِ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ وَ إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَأْتِي الرَّجُلَ يَطْلُبُ الْحَاجَةَ فَيُحِبُّ أَنْ يَقُولَ لَهُ خَيْراً قَبْلَ أَنْ يَسْأَلَهُ حَاجَتَهُ
اصول کافی جلد 4 صفحه : 239 روایة : 7

ترجمه:
-7ابو کهمس گوید :شنیدم حضرت صادق (ع) می فرمود: مردی وارد مسجد شد و پیش از ستایش بر خدا و صلوات بر پیغمبر (ص) شروع بدعا کرد، رسول خدا (ص) فرمود: این بنده در (دعا و درخواست از) پروردگارش شتاب کرد، سپس مرد دیگری وارد شد و نماز خوانده و خدای عزوجل را ستایش نمود و بر رسول خدا (ص) صلوات فرستاد، پس رسول خدا (ص) بوی فرمود: بخواه تا بتو داده شود.
سپس حضرت صادق (ع (فرمود: همانا در کتاب علی علیه السلام است که : ستایش بر تو صلوات بر رسول خدا پیش از خواستن حاجتش سخن خوشی گوید.

8-عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قُلْتُ آيَتَانِ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَطْلُبُهُمَا فَلَا أَجِدُهُمَا قَالَ وَ مَا هُمَا قُلْتُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ فَنَدْعُوهُ وَ لَا نَرَى إِجَابَةً قَالَ أَ فَتَرَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَخْلَفَ وَعْدَهُ قُلْتُ لَا قَالَ فَمِمَّ ذَلِكَ قُلْتُ لَا أَدْرِي قَالَ لَكِنِّي أُخْبِرُكَ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِيمَا أَمَرَهُ ثُمَّ دَعَاهُ مِنْ جِهَةِ الدُّعَاءِ أَجَابَهُ قُلْتُ وَ مَا جِهَةُ الدُّعَاءِ قَالَ تَبْدَأُ فَتَحْمَدُ اللَّهَ وَ تَذْكُرُ نِعَمَهُ عِنْدَكَ ثُمَّ تَشْكُرُهُ ثُمَّ تُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ ص ثُمَّ تَذْكُرُ ذُنُوبَكَ فَتُقِرُّ بِهَا ثُمَّ تَسْتَعِيذُ مِنْهَا فَهَذَا جِهَةُ الدُّعَاءِ ثُمَّ قَالَ وَ مَا الْآيَةُ الْأُخْرَى قُلْتُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ م ا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الرّ ازِقِينَ وَ إِنِّي أُنْفِقُ وَ لَا أَرَى خَلَفاً قَالَ أَ فَتَرَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَخْلَفَ وَعْدَهُ قُلْتُ لَا قَالَ فَمِمَّ ذَلِكَ قُلْتُ لَا أَدْرِي قَالَ لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمُ اكْتَسَبَ الْمَالَ مِنْ حِلِّهِ وَ أَنْفَقَهُ فِي حِلِّهِ لَمْ يُنْفِقْ دِرْهَماً إِلَّا أُخْلِفَ عَلَيْهِ

اصول كافى جلد 4 صفحه : 240 رواية : 8

ترجمه:

8-عثمان بن عیسی از کسی که برای او حدیث نقل کرده بود بحضرت صادق علیه السلام عرضکردم : دو آیه در کتاب خدا (قرآن) است که آن دو را می جویم و نمی یابم ، فرمود: کدام است آن دو آیه ؟ عرضکردم : گفتار خدای عزوجل : (((مرا بخوانید تا برای شما اجابت کنم))) (سوره مؤ من آیه 60) و او را می خوانیم و اجابتی نمی بینیم ؟ فرمود :آیا تو پنداری که خداوند خلاف وعده خود کرده ؟ عرضکردم : نه ، فرمود: پس این) باجابت نرسیدن دعاها) از چیست ؟ عرضکردم : نمی دانم ، فرمود: ولی من تو را آگاه کنم : هر که خدای عزوجل را در آنچه باو فرمان داده اطاعت کند سپس او را از جهت دعا بخواند او را اجابت کند، عرضکردم : جهت دعا چیست ؟ فرمود :شروع می کنی پس خدا را حمد و ستایش کنی ، و نعمتهاییکه بتو داده است بزبان آری ، و سپس او را شکر کنی ، سپس بر محمد (ص) صلوات فرستی ، و سپس گناهان خود را یادآور شوی و بدانها اعتراف کنی و از آنها بخدا پناه بری ، اینست جهت (و راه (دعا.
سپس فرمود: آیه دیگر کدام است ؟ عرضکردم : گفتار خدای عزوجل : (((و آنچه بدهید از چیزی پس خداوند عوضش را بدهد و اوست بهترین روزی دهندگان))) (سوره صباء آیه 39) و من انفاق کنم (و بدهم) ولی عوضی (برای آن (نبینم ؟ فرمود:

آیا پنداری که خدای عزوجل خلاف وعده خود کند؟
عرضکردم : نه ، فرمود: پس این از چیست ؟
عرضکردم ندانم ، فرمود: اگر هر آینه یکی از شماها مالی را از راه حلالش بدست آورد، و آن را در راه حلالش انفاق کند (و بدهد) هیچ درهمی از آن انفاق نکند جز اینکه بر آن عوض داده شود.

توضیح :

انفاق در لغت عرب بمعنای خرج کردن و بخشیدن و یا دادن مال بکسی و نفقه دادن و امثال این معانی است ، و در این آیه شریفه طبرسی (ره) در مجمع البیان گوید: یعنی آنچه از مال خود را در راه خیر صرف کنید پس خدای سبحان عوض آن را بشما عطا فرماید، اما در دنیا باینکه نعمت شما را افزون کند، و اما در آخرت پاداش آن بهشت است ، و کلبی گفته : آنچه در راه خیر صدقه دهید خداوند عوض آنرا بشما بدهد یا در دنیا و یا برای آخرتتان ذخیره کند، و جابر از پیغمبر (ص) حدیث کند که فرمود: هر کار معروفی صدقه است و هر چه مرد بوسیله آن آبروی خود را نگهدارد صدقه است ، و هر چه انسان خرج کند خدا ضامن عوض آن است مگر آنچه در بنا و نافرمانی باشد.

-9عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ فَلْيُطِبْ مَكْسَبَهُ
اصول کافی جلد 4 صفحه : 241 رواية : 9

ترجمه:
-9حضرت صادق (ع) فرمود: هر که شاد شود دعایش باجابت رسد باید کسب خود را پاك و حلال کند.

باب اجتماع برای دعا کردن

بَابُ الِاجْتِمَاعِ فِي الدُّعَاءِ

-1عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ دُرُسْتَ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَا مِنْ رَهْطٍ أَرْبَعِينَ رَجُلًا اجْتَمَعُوا فَدَعَوُا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي أَمْرٍ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونُوا أَرْبَعِينَ فَأَرْبَعَةٌ يَدْعُونَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ عَشْرَ مَرَّاتٍ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونُوا أَرْبَعَةً فَوَاحِدٌ يَدْعُو اللَّهَ أَرْبَعِينَ مَرَّةً فَيَسْتَجِيبُ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ لَهُ

اصول کافی جلد 4 صفحه 241 : رواية : 1

ترجمه:

-1حضرت صادق (ع (فرمود: هيچ چهل نفر مردى براى دعا نزد هم اجتماع نكنند و خداى عزوجل را در كارى نخوانند (و دعا نكنند) جز اينكه خداوند دعاى آنها را مستجاب كند، پس اگر چهل نفر نبودند، و چهار نفر بودند (نزد هم جمع شوند و) ده بار خداى عزوجل را بخوانند خداوند دعايشان را اجابت كند، و اگر چهار نفر هم نباشند و يك نفر باشد كه چهل مرتبه خدا را بخواند پس خداى عزيز جبار براى او اجابت كند.

توضيح:

پيش از اين گذشت كه دعا كردن در پنهانى هفتاد برابر يا بيشتر از دعاهاى آشكار است و مجلسى (ره) وعده كرده كه ميان آن دسته از روايات را در اين جا جمع كند و از اين روى در اينجا گويد:

بسا توهم شود كه ميان اينجا و آنچه گذشت كه دعاى پنهانى ثوابش بيشتر است منافات است و ممكن است بدو وجه جواب داده شود:

(اول): اجتماع در اجابت مؤ ثرتر است گرچه ثوابش كمتر است

(دوم): اين در جائى است كه رياء و خودنمائى ماءمون باشد، و آنچه در آن باب گذشت در صورتى است كه از رياء ايمن نيست .

-2عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَا اجْتَمَعَ أَرْبَعَةُ رَهْطٍ قَطُّ عَلَى أَمْرٍ وَاحِدٍ فَدَعَوُا اللَّهَ إِلَّا تَفَرَّقُوا عَنْ إِجَابَةٍ

اصول كافى جلد 4 صفحه : 242 رواية 2 :

ترجمه:

-2و نيز حضرت صادق) ع) فرمود: هيچگاه چهار نفر با هم اجتماع نكرده اند كه براى مطلبى بدرگاه خدا دعا كنند جز اينكه با اجابت آن دعا از هم جدا شده اند.

-3عَنْهُ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ أَبِي ع إِذَا حَزَنَهُ أَمْرٌ جَمَعَ النِّسَاءَ وَ الصِّبْيَانَ ثُمَّ دَعَا وَ أَمَّنُوا

اصول كافى جلد 4 صفحه : 242 رواية : 3

ترجمه:

-3و نيز آن حضرت عليه السلام فرمود: هرگاه پيش آمدى پدرم را غمناك مى كرد زنان و كودكان را جمع مى كرد، سپس دعا مى كرد و آنها آمين مى گفتند.

-4عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ الدَّاعِي وَ الْمُؤَمِّنُ فِي الْأَجْرِ شَرِيكَانِ

اصول كافى جلد 4 صفحه : 242 رواية : 4

ترجمه:

-4و نيز آنحضرت عليه السلام فرمود: دعا كننده و آمين گو در مزد و اجر شريكند.

-1عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلْيَعُمَّ فَإِنَّهُ أَوْجَبُ لِلدُّعَاءِ

اصول كافى جلد 4 صفحه : 242 رواية : 1

باب عموميت دادن در دعا و براى همه دعا كردن

بَابُ الْعُمُومِ فِي الدُّعَاءِ

ترجمه:

-1حضرت صادق (ع) فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه يكى از شماها دعا كند پس عموميت دهد (و همه را دعا كند) زيرا كه آن باجابت نزديكتر است.

باب كسيكه اجابت دعايش بتاءخير افتد

1-مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى
عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي
الْحَسَنِ ع جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي قَدْ سَأَلْتُ اللَّهَ حَاجَةً مُنْذُ
كَذَا وَ كَذَا سَنَةً وَ قَدْ دَخَلَ قَلْبِي مِنْ إِبْطَائِهَا شَيْءٌ فَقَالَ يَا
أَحْمَدُ إِيَّاكَ وَ الشَّيْطَانَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عَلَيْكَ سَبِيلٌ حَتَّى
يُقَنِّطَكَ إِنَّ أَبَا جَعْفَرٍ ص كَانَ يَقُولُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَسْأَلُ اللَّهَ
عَزَّ وَ جَلَّ حَاجَةً فَيُؤَخِّرُ عَنْهُ تَعْجِيلَ إِجَابَتِهِ حُبّاً لِصَوْتِهِ
وَ اسْتِمَاعِ نَحِيبِهِ ثُمَّ قَالَ وَ اللَّهِ مَا أَخَّرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ
عَنِ الْمُؤْمِنِينَ مَا يَطْلُبُونَ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا خَيْرٌ لَهُمْ مِمَّا
عَجَّلَ لَهُمْ فِيهَا وَ أَيُّ شَيْءٍ الدُّنْيَا إِنَّ أَبَا جَعْفَرٍ ع كَانَ
يَقُولُ يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ دُعَاؤُهُ فِي الرَّخَاءِ نَحْواً
مِنْ دُعَائِهِ فِي الشِّدَّةِ لَيْسَ إِذَا أُعْطِيَ فَتَرَ فَلَا تَمَلَّ
الدُّعَاءَ فَإِنَّهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِمَكَانٍ وَ عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ
وَ طَلَبِ الْحَلَالِ وَ صِلَةِ الرَّحِمِ وَ إِيَّاكَ وَ مُكَاشَفَةَ
النَّاسِ فَإِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ نَصِلُ مَنْ قَطَعَنَا وَ نُحْسِنُ إِلَى مَنْ
أَسَاءَ إِلَيْنَا فَنَرَى وَ اللَّهِ فِي ذَلِكَ الْعَاقِبَةَ الْحَسَنَةَ إِنَّ
صَاحِبَ النِّعْمَةِ فِي الدُّنْيَا إِذَا سَأَلَ فَأُعْطِيَ طَلَبَ غَيْرَ
الَّذِي سَأَلَ وَ صَغُرَتِ النِّعْمَةُ فِي عَيْنِهِ فَلَا يَشْبَعُ مِنْ
شَيْءٍ وَ إِذَا كَثُرَتِ النِّعَمُ كَانَ الْمُسْلِمُ مِنْ ذَلِكَ عَلَى خَطَرٍ
لِلْحُقُوقِ الَّتِي تَجِبُ عَلَيْهِ وَ مَا يُخَافُ مِنَ الْفِتْنَةِ فِيهَا
أَخْبِرْنِي عَنْكَ لَوْ أَنِّي قُلْتُ لَكَ قَوْلًا أَ كُنْتَ تَثِقُ بِهِ مِنِّي
فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِذَا لَمْ أَثِقْ بِقَوْلِكَ فَبِمَنْ أَثِقُ وَ أَنْتَ
حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ قَالَ فَكُنْ بِاللَّهِ أَوْثَقَ فَإِنَّكَ عَلَى
مَوْعِدٍ مِنَ اللَّهِ أَ لَيْسَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَ إِذ ا
سَأَلَكَ عِب ادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدّ اعِ إِذ ا
دَع انِ وَ قَالَ ل ا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللّ هِ وَ قَالَ وَ اللّ
هُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلًا فَكُنْ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْثَقَ
مِنْكَ بِغَيْرِهِ وَ لَا تَجْعَلُوا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا خَيْراً فَإِنَّهُ مَغْفُورٌ
لَكُمْ

اصول كافى جلد 4 صفحه : 243 رواية : 1

بَابُ مَنْ أَبْطَأَتْ عَلَيْهِ الْإِجَابَةُ

ترجمه:

1-احمد بن محمد بن ابى نصر گويد بحضرت ابى الحسن (رضا) عليه السلام عرضكردم : قربانت :من چند سال است كه از خدا حاجتى درخواست كرده ام و از تاءخير اجابتش در دلم شبهه و نگرانى آمده است ؟ فرمود: اى احمد مبادا شيطان بر (دل (تو راهى باز كند، تا تو را نا اميد كند همانا امام باقر عليه السلام مى فرمود: هر آينه مؤ من حاجتى از خدا بخواهد و اجابت آن پس افتد براى محبوبيت آوازش (نزد خداوند) و شنيدن صداى گريه اش ،

سپس فرمود: بخدا سوگند آنچه خدای عزوجل برای مؤ منین از آنچه خواهند پس اندازد، بهتر است برای ایشان از آنچه زود بآنها عطا فرماید، و دنیا چیست ؟ امام باقر علیه السلام می فرمود: سزاوار است برای مؤ من که دعایش در حال آسایش همانند دعای او در حال سختی باشد، و چون باو داده شد (آنچه درخواست کرده از دعا) سست نشود، پس تو از دعا خسته مشو زیرا که دعا نزد خدای عزوجل منزلتی دارد (بس بزرگ) و بر تو باد بشکیبائی و دنبال روزی حلال رفتن ، و صله رحم کردن و مبادا با مردم اظهار دشمنی کنی ، زیرا که ما خاندانی هستیم که پیوند کنیم با هر که از ما ببرد، و نیکی کنیم بهر که بما بدی کند، پس بخدا سوگند در این کار سرانجام نیکودی ببینیم (چه در دنیا و چه در آخرت)، همانا کسی که در این دنیا دارای نعمت است اگر هر گاه درخواست (چیزی از خدا) کند و باو داده شود (حرصش زیاد گردد) و جز آنرا نیز بخواهد، و (در نتیجه) نعمت خدا در چشم او کوچك و خوار گردد، و از هیچ چیز سیر نشود، و چون نعمت فراوان شود مسلمان از اینراه بخطر افتد، (و این خطر) بخاطر آن حقوقی) است) که بر او واجب شود، و بخاطر آن چیزی است که بیم آن رود بواسطه این حقوق در فتنه و آزمایش افتد (و در اعداء آنها کوتاهی کند)، بگو بدانم که اگر من بتو چیزی گفتم بدان وثوق و اعتماد داری ؟ عرضکردم : فدایت گردم اگر من بگفته شما اعتماد نکنم پس بگفتار چه کسی اعتماد کنم با اینکه شما حجت خداوند بر خلق او هستی ؟ فرمود: پس تو بخدا (و وعده ها و گفتارهای او) اعتمادت بیشتر باشد، زیرا خداوند بتو وعده اجابت داده است (یا اینکه اجابت دعای تو بموعودی واگذار شده) آیا خدای عزوجل نفرماید: (((و هرگاه پرسندت بندگان من از من ، پس همانا من نزیکم و اجابت کنم دعای آنکه مرا خواند))) (سوره بقره آیه 186)؟ و فرموده است))) : نومید نباشید از رحمت خدا))) (سوره زمر آیه 53) و نیز فرموده است : (((و خدا نویدتان دهد بآمرزش و فضل))) (سوره بقره آیه 268) پس تو به خدای عزوجل اعتمادت بیشتر باشد از دیگران ، و در دل خود جز خوبی راه ندهید، که شما آمرزیده اید.

توضیح:

مجلسی (ره) در ضمن شرح قسمتهای حدیث وجوهی برای تاءخیر در اجابت دعا از آن استفاده نموده

که تا هشت وجه آن را ذکر کرده است (اول) حقارت و پستی دنیا و اینکه تاءخیر بآخرت بهتر است . (دوم) اینکه از شرایط اجابت دعا اینست که در هر حال نباید دست از دعا برداشت چه در حال آسودگی و چه در حال سختی (سوم) شکیبائی در تاءخیر آن (چهارم) اینکه کسب خود را حلال کند، یا اینکه دعائی باجابت رسد که حرامی در برنداشته باشد. (پنجم) قطع رحم نکند (ششم) اظهار دشمنی با مردم نکند (هفتم) اینکه اگر زود باجابت رسد موجب حرص بر دنیا گردد و نعمتهای خدا در نظر خوار و کوچك شود (هشتم) آنکه بواسطه فراوان شدن مال و ثروت و قدرت در خطر اداء نکردن حقوق آن افتد، و سپس در آخر گفتارش گوید: و در این حدیث فواید بسیار و حقیقتهای فراوانی است برای کسی که پدیده حقیقت و یقین در آن بنگرد.

2- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مَنْصُورٍ الصَّيْقَلِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع رُبَّمَا دَعَا الرَّجُلُ بِالدُّعَاءِ فَاسْتُجِيبَ لَهُ ثُمَّ أُخِّرَ ذَلِكَ إِلَى حِينٍ قَالَ فَقَالَ نَعَمْ قُلْتُ وَ لِمَ ذَاكَ لِيَزْدَادَ مِنَ الدُّعَاءِ قَالَ نَعَمْ
اصول کافی جلد 4 صفحه : 245 رواية : 2

ترجمه:
2- منصور صقیل گوید :به حضرت صادق (ع) عرضکردم : بسا هست که مردی دعا کند و دعایش مستجاب گردیده ، ولی تا مدتی (اثر آن استجابت ظاهر نگردد و) پس افتد؟ فرمود: آری) چنین است) عرضکردم : این برای چیست ؟ آیا برای اینست که بیشتر دعا کند، فرمود :آری.

3- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ أَبِي هِلَالٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ حَدِيدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِلْمَلَكَيْنِ قَدِ اسْتَجَبْتُ لَهُ وَ لَكِنِ احْبِسُوهُ بِحَاجَتِهِ فَإِنِّي أُحِبُّ أَنْ أَسْمَعَ صَوْتَهُ وَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَجِّلُوا لَهُ حَاجَتَهُ فَإِنِّي أُبْغِضُ صَوْتَهُ
اصول کافی جلد 4 صفحه : 245 رواية 3 :

ترجمه:
3- و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: همانا بنده ای دعا کند پس خدای عزوجل بدو فرشته) که موکل بر انسان هستند یا دو فرشته دیگر) فرماید: من دعای او را باجابت رساندم ولی حاجتش را نگهدارید، زیرا که من دوست دارم آواز او را بشنوم ، و همانا بنده ای هم هست که دعا کند پس خدای تبارك و تعالی فرماید: زود حاجتش را بدهید که آوازش را خوش ندارم.

-4ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سُلَيْمَانَ صَاحِبِ السَّابِرِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ يُسْتَجَابُ لِلرَّجُلِ الدُّعَاءُ ثُمَّ يُؤَخَّرُ قَالَ نَعَمْ عِشْرِينَ سَنَةً
اصول کافی جلد 4 صفحه : 245 رواية : 4

ترجمه:
-4اسحاق بن عمار گويد: بحضرت صادق عرضكردم : (ممكن است) دعاى مردى مستجاب شده (باشد) ولى بتاءخير افتد (و اثر استجابت آن همان زمان ظاهر نگردد؟ فرمود: آرى تا بيست سال) ممكن است تاءخير افتد.(

-5ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ بَيْنَ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُم ا وَ بَيْنَ أَخْذِ فِرْعَوْنَ أَرْبَعِينَ عَاماً
اصول کافی جلد 4 صفحه : 245 رواية : 5

ترجمه:
-5و نيز آن حضرت عليه السلام فرمود: ميان گفته خداى عزوجل (كه بموسى و هارون در مقابل تقاضاى نابودى فرعون و پيروانش فرمود:) (((هر آينه دعاى شما باجابت رسيد))) (سوره يونس 89) و ميان نابودى فرعون چهل سال طول كشيد.

-6ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَدْعُو فَيُؤَخَّرُ إِجَابَتُهُ إِلَى يَوْمِ الْجُمُعَةِ
اصول کافی جلد 4 صفحه : 245 رواية : 6

ترجمه:
-6ابو بصير گويد :شنيدم از حضرت صادق (ع) كه مى فرمود: همانا مؤ من دعا كند و اجابت دعايش تا روز جمعه (يا روز قيامت) بتاءخير افتد.

-7عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ الْعَبْدَ الْوَلِيَّ لِلَّهِ يَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْأَمْرِ يَنُوبُهُ فَيَقُولُ لِلْمَلَكِ الْمُوَكَّلِ بِهِ اقْضِ لِعَبْدِي حَاجَتَهُ وَ لَا تُعَجِّلْهَا فَإِنِّي أَشْتَهِي أَنْ أَسْمَعَ نِدَاءَهُ وَ صَوْتَهُ وَ إِنَّ الْعَبْدَ الْعَدُوَّ لِلَّهِ لَيَدْعُو اللَّهَ

عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْأَمْرِ يَنُوبُهُ فَيُقَالُ لِلْمَلَكِ الْمُوَكَّلِ بِهِ اقْضِ لِعَبْدِي حَاجَتَهُ وَ عَجِّلْهَا فَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ أَسْمَعَ نِدَاءَهُ وَ صَوْتَهُ قَالَ فَيَقُولُ النَّاسُ مَا أُعْطِيَ هَذَا إِلَّا لِكَرَامَتِهِ وَ لَا مُنِعَ هَذَا إِلَّا لِهَوَانِهِ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 246 رواية : 7

ترجمه:

-7و نیز آن حضرت فرمود :همانا بنده ای که دوست خدا است در پیش آمدی که برای او رخ داده دعا کند، و خدا بفرشته ای که موکل باو) یا بآن دعا) است فرماید: حاجت بنده مرا برآور ولی در) دادن) آن شتاب مکن زیرا که من میل دارم صدا و آواز او را بشنوم . و همانا بنده ای دشمن خدا بدرگاه خدای عزوجل درباره اتفاقی که برای او پیش آمده دعا کند پس فرشته موکل بر او (یا بر آن دعا) گفته شود: حاجتش را برآور و در (دادن) آن شتاب کن زیرا من خوش ندارم آواز و صدایش را بشنوم.

فرمود: پس مردم (که خبر از این جریان ندارند بآنکه حاجتش زود بر آورده شده) گویند: باین داده نشده جز برای گرامی بودنش (نزد خدا، و بآنکه در اجابتش تاءخیر شده گویند:) از او دریغ نشده جز برای زبونی و خواریش.

-8مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ بِخَيْرٍ وَ رَجَاءٍ رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا لَمْ يَسْتَعْجِلْ فَيَقْنَطَ وَ يَتْرُكَ الدُّعَاءَ قُلْتُ لَهُ كَيْفَ يَسْتَعْجِلُ قَالَ يَقُولُ قَدْ دَعَوْتُ مُنْذُ كَذَا وَ كَذَا وَ مَا أَرَى الْإِجَابَةَ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 246 رواية : 8

ترجمه:

-8ابو بصیر گوید :حضرت صادق (ع) فرمود: پیوسته مؤ من در حال خیر و امیدواری است تا مادامیکه شتاب نکند پس نومید شود و دعا را رها کند، عرضکردم : چگونه شتاب کند؟ فرمود: گوید: از فلان وقت و فلان وقت دعا کرده ام و اجابت آن را نمی بینم ؟

-9الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ

اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي حَاجَتِهِ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَخِّرُوا إِجَابَتَهُ شَوْقاً إِلَى صَوْتِهِ وَ دُعَائِهِ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَبْدِي دَعَوْتَنِي فَأَخَّرْتُ إِجَابَتَكَ وَ ثَوَابُكَ كَذَا وَ كَذَا وَ دَعَوْتَنِي فِي كَذَا وَ كَذَا فَأَخَّرْتُ إِجَابَتَكَ وَ ثَوَابُكَ كَذَا وَ كَذَا قَالَ فَيَتَمَنَّى الْمُؤْمِنُ أَنَّهُ لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا مِمَّا يَرَى مِنْ حُسْنِ الثَّوَابِ

اصول كافی جلد 4 صفحه : 246 رواية : 9

ترجمه:

-9و نیز آنحضرت فرمود: همانا مؤ من خدای عزوجل را درباره حاجت خود بخواند و خدای عزوجل فرماید :اجابت او را بتاءخیر اندازید بخاطر شوقی كه بآواز و دعای او دارم ، پس چون روز قیامت شود خدای عزوجل فرماید: ای بنده مؤ من تو مرا خواندی (و دعا كردی) و من اجابتت را پس انداختم اكنون ثواب و پاداش تو چنین و چنان است ، و باز درباره فلان چیز مرا خواندی (و دعا كردی) و من اجابت تو را بتاءخیر انداختم و پاداش تو چنین و چنان است ، فرمود: پس مؤ من آرزو كند كه كاش هیچ دعائی از او در دنیا اجابت نمی شد برای آنچه ثواب و پاداش نیك كه می بیند.

-1عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَا يَزَالُ الدُّعَاءُ مَحْجُوباً حَتَّى يُصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

اصول كافی جلد 4 صفحه : 247 رواية : 1

باب ذكر صلوات بر محمد ص و خاندانش علیهم السلام در دعا و غیر آن

بَابُ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

ترجمه:

-1حضرت صادق (ع (فرمود: پیوسته دعا محجوبست (و میانه آن و استجابش حجاب و پرده ای حائل است (تا بر محمد و آلش صلوات فرستاده شود (كه آنگاه پرده و حائل برطرف شود.(

شـــــرح :

جــزری در نهایه گفته است : صلوة در لغت بمعنای دعا است ، و عبادت مخصوصه را که شامل دعا است صلوة گفته اند، و برخی گفته اند: صلوة در لغت بمعنای تعظیم است ، و عبادت مخصوصه را هم صلوة گفته اند چون در آن تعظیم خداوند است تا آنکه گوید: و اما اینکه گوئیم (((اللهم صلی علی محمد))) معنایش اینست که خدایا او را بزرگوار کن در دنــیــا بــوســیــله بــلــنــد کردن نام او و آشکار کردن دعوت و نگهداری شریعتش ، و در آخرت بقبول کردن شفاعت او درباره امتش و دو چندان کردن اجر و پاداشش .

فــیــض (ره) در وافــی گــویــد: مــعنای صلوة بر پیغمبرش (ص) اضافه انواع کرامات و لطــائف نــعــمتها است بر او، و اما صلوات ما و فرشتگان بر او پس آن درخواست آن کرامت و اضافه آن بر او است .

و مــجــلســی (ره) گــویــد: مــشهور آنست که صلوة از خدای سبحان رحمت است و از فرشتگان اســتــغــفــار (و طــلب آمــرزش) و از بــنــدگــان دعــا اســت . و در مــعــنــای (((آل))) گــفــتــه اســت : آل پــیــغــمبر (ص) نزد شیعه امامیه عترت طاهره و خاندان معصوم او هــســتــنــد، و ایــنــکــه شهید ثانی (ره) آنرا مخصوص باءمیرالمؤ منین و فاطمه و حسن و حسین عــلیــهم السلام کرده است وجهی و دلیلی ندارد، و اما نزد عامه در این باره اختلاف بسیاری اســت پــس برخی گفته اند: آل پیغمبر (ص) تمامی امت او هستند و برخی گفته اند: عشیره اویــنــد، و بــرخــی گــفــته اند هر که از بنی هاشم و بنی عبدالمطلب که گرفتن زکاة بر آنــهــا حــرام اســت آل پــیــغمبرند، سپس وجوهی برای اینکه دعا بدون صلوات محجوبست ذکر فرموده است .

-2عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَنْ دَعَا وَ لَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ ص رَفْرَفَ الدُّعَاءُ عَلَى رَأْسِهِ فَإِذَا ذَكَرَ النَّبِيَّ ص رُفِعَ الدُّعَاءُ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 248 رواية 2 :

ترجمه:

-2حضرت صادق (ع (فرمود: هر که دعائی کند و نام پیغمبر (ص) را نبرد آن دعا بالای سرش (چون پرنده ای (بچرخد، و چون نام پیغمبر (ص) را برد دعا بالا رود.

-3أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ زَيْدٍ الشَّحَّامِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ص إِنِّي أَجْعَلُ لَكَ ثُلُثَ صَلَوَاتِي لَا بَلْ أَجْعَلُ لَكَ نِصْفَ صَلَوَاتِي لَا بَلْ أَجْعَلُهَا كُلَّهَا لَكَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذاً تُكْفَى مَئُونَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 248 رواية 3 :

ترجمه:

-3و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: مردی نزد پیغمبر (ص) آمد و عرضکرد: ای رسول خدا من یك سوم صلواتم را برای شما قرار دهم ، نه بلكه نیمی از صلواتم را مخصوص شما گردانم ، نه بلكه تمامی آن را از آن شما گردانم ؟ رسول خدا (ص (فرمود: در این صورت خرج مؤ ونه دنیا و آخرت تو كفایت شود. (شرح این حدیث از زبان امام علیه السلام در حدیث (4) است.(

-4مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفٍ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع مَا مَعْنَى أَجْعَلُ صَلَوَاتِي كُلَّهَا لَكَ فَقَالَ يُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ كُلِّ حَاجَةٍ فَلَا يَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ شَيْئاً حَتَّى يَبْدَأَ بِالنَّبِيِّ ص فَيُصَلِّيَ عَلَيْهِ ثُمَّ يَسْأَلَ اللَّهَ حَوَائِجَهُ

اصول كافى جلد 4 صفحه 248 : رواية : 4

ترجمه:

-4ابو بصیر گوید: از حضرت صادق (ع) پرسیدم معنای اینكه : همه صلواتم را برای شما قرار دهم))) چیست ؟ فرمود: یعنی پیغمبر (ص) را مقدمه و جلو هر حاجتی قرار می دهد، و از خدای عزوجل چیزی درخواست نكند تا بنام پیغمبر (ص) ابتداء كند و صلوات بر او فرستد، سپس حاجات خود را از خدا درخواست كند.

شــــرح :

فــیــض (ره) در شـــرح حـــدیث (3) گوید: مقصود از صلوة معنای لغوی آن است كه دعا بـــاشـــد و مـــعـــنای گفتار آن مرد به پیغمبر (ص) اینست كه هرگاه بدرگاه خداوند درباره حـــاجـــتـــی دعـــا مـــی كـــنـــم اول بـــشـــما دعا می كنم و آنرا ریشه و پایه قرار می دهم سپس آنچه بـــرای خـــود خـــواهـــم روی آن قـــرار دهم و همین است معنای آنچه از تفسیر این حدیث بیاید (كه اشاره بحدیث (4) است).

-5عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا تَجْعَلُونِي كَقَدَحِ الرَّاكِبِ فَإِنَّ الرَّاكِبَ يَمْلَأُ قَدَحَهُ فَيَشْرَبُهُ إِذَا شَاءَ اجْعَلُونِي فِي أَوَّلِ الدُّعَاءِ وَ فِي آخِرِهِ وَ فِي وَسَطِهِ

اصول كافى جلد 4 صفحه 248 : رواية : 5

ترجمه:

-5حضرت صادق (ع (فرمود: رسول خدا (ص) فرمود مرا چون قدح شتر سوار قرار ندهید، زیرا شتر سوار قدح خود را پر کند و هر زمان خواست بنوشد مرا در اول دعا و وسط و آخر ان قرار دهید.

شـــــرح :

فیض (ره) گوید: ابن اثیر گفته است : یعنی در آخر بیاد من نیفتد چنانچه شتر سوار قدح خود را در آخر بار و بنه خود قرار دهد، پس از آنکه از بار کردن همه آنها فارغ گردید آن را پشت آنها بیاویزد، سپس فیض (ره) گوید: و شاید مقصود این باشد (که همیشه به یاد من باشید نه مانند قدح شتر سوار زیرا که) شتر سوار یاد قدح خود نکند تا گاهی که تشنه شود و بخواهد آب بیاشامد که در آن هنگام آن را پر کند و بیاشامد، و اقات دیگر از آن غافل است .

-6عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ وَ حُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ إِذَا ذُكِرَ النَّبِيُّ ص فَأَكْثِرُوا الصَّلَاةَ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ ص صَلَاةً وَاحِدَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي أَلْفِ صَفٍّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ لَمْ يَبْقَ شَيْءٌ مِمَّا خَلَقَهُ اللَّهُ إِلَّا صَلَّى عَلَى الْعَبْدِ لِصَلَاةِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ صَلَاةِ مَلَائِكَتِهِ فَمَنْ لَمْ يَرْغَبْ فِي هَذَا فَهُوَ جَاهِلٌ مَغْرُورٌ قَدْ بَرِئَ اللَّهُ مِنْهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 249 رواية : 6

ترجمه:

-6حضرت صادق علیه السلام فرمود: چون نام پیغمبر صلى اللّه علیه و آله برده شد بسیار بر او صلوات بفرستید، زیرا هر کس يك صلوات بر پیغمبر صلى اللّه علیه و آله فرستد خداوند هزار بار در هزار صف از فرشته ها بر صلوات فرستد، و چیزى از مخلوقات خدا نماند جز اینکه بر این بنده صلوات فرستد براى آنکه خداوند و فرشتگان براى او صلوات فرستند، و هر کس در این فضیلت رغبت نکند پس او نادان و مغرور است ، و خدا و رسول و خاندانش از او بیزارند.

شـــــرح :

مجلسی (ره) گوید: اینکه فرمود: (((بسیار صلوات بر او بفرستید)))

محمول بر استحباب است چناچه اجماع بر آن است ، و اینکه فرمود: (((خداوند در هزار صف فرشتگان بر او صلوات فرستند))) چند معنی اول که ظاهر هم همانست این است که خداوند بر او ثنا گوید و صلوات فرستد به کلامیکه آن کلام را هزار صف از فرشتگان بشنوند و آنها نیز به صلوات خداوند عزوجل صلوات فرستند. و پس از آن چند وجه دیگر نقل کرده (و در آخر باب هم در فائده پنجم از فوائدی که ذکر کرده معانی دیگری نقل کند) تا آنکه گوید: و مقصود از صلوات بر پیغمبر صلی اللّه علیه و آله بر او و آل او است ، نه صلوات بر پیغمبر صلی اللّه علیه و آله فقط، زیرا در روایات خاصه و عامه وارد شده که صلوات به او بدون صلوات بر آل پذیرفته نیست ، بلکه از اخبار ما ظاهر گردد که حرام و موجب عقاب است ... و در آخر این خبر نیز اشاره ای بدان شده .

-7عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَتُهُ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيُقِلَّ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيُكْثِرْ
اصول کافی جلد 4 صفحه : 249 رواية : 7

ترجمه:
-7حضرت صادق (ع (فرمود: رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود: هر که بر من صلوات فرستد خدا و فرشتگان بر او صلوات فرستند، هر که خواهد کم فرستد و هر که خواهد بیش.

-8عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الصَّلَاةُ عَلَيَّ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِي تَذْهَبُ بِالنِّفَاقِ
اصول کافی جلد 4 صفحه : 250 رواية : 8

ترجمه:
-8و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: صلوات بر من و بر اهل بیت من نفاق را می برد.

-9أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ أَبِي عِمْرَانَ الْأَزْدِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَنْ قَالَ يَا رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِائَةَ مَرَّةٍ قُضِيَتْ لَهُ مِائَةُ حَاجَةٍ ثَلَاثُونَ لِلدُّنْيَا وَ الْبَاقِي لِلْآخِرَةِ
اصول کافی جلد 4 صفحه : 250 رواية : 9

ترجمه:

9- و نیز حضرت صادق (ع (فرمود: هر که صد بار بگوید: (((یا رب صلی علی محمد و آل محمد))) صد حاجت از او بر آورده شود که سی حاجت آن از (حاجات) دنیا باشد (و باقی از آخرت.(

-10مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ وَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كُلُّ دُعَاءٍ يُدْعَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ مَحْجُوبٌ عَنِ السَّمَاءِ حَتَّى يُصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 250 رواية : 10

ترجمه:

10- و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: هر دعائی که خدای عزوجل بدان خوانده شود از رفتن به آسمان محجوبست تا صلوات بر محمد و آل محمد فرستاده شود.

-11عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ أَجْعَلُ نِصْفَ صَلَوَاتِي لَكَ قَالَ نَعَمْ ثُمَّ قَالَ أَجْعَلُ صَلَوَاتِي كُلَّهَا لَكَ قَالَ نَعَمْ فَلَمَّا مَضَى قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص كُفِيَ هَمَّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 250 رواية : 11

ترجمه:

11- و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: مردی نزد رسول خدا (ص) آمده عرض کردم : من نیمی از صلوات (و دعاهایم) را برای شما قرار دهم ؟ فرمود: آری ، سپس عرض کرد: همه دعاهایم را به شما مخصوص گردانم ؟ فرمود: آری ، همینکه آنمرد رفت رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود: اندوه دنیا و آخرتش کفایت شد.

-12عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ رَجُلًا أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي جَعَلْتُ ثُلُثَ صَلَوَاتِي لَكَ فَقَالَ لَهُ خَيْراً فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي جَعَلْتُ نِصْفَ صَلَوَاتِي لَكَ فَقَالَ لَهُ ذَاكَ أَفْضَلُ فَقَالَ إِنِّي جَعَلْتُ

كُلَّ صَلَوَاتِي لَكَ فَقَالَ إِذاً يَكْفِيَكَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَا أَهَمَّكَ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاكَ وَ آخِرَتِكَ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ أَصْلَحَكَ اللَّهُ كَيْفَ يَجْعَلُ صَلَاتَهُ لَهُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَا يَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ شَيْئاً إِلَّا بَدَأَ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ص
اصول كافى جلد 4 صفحه : 250 رواية : 12

ترجمه:
12- و نيز فرمود :عليه السلام مردى نزد صلى اللّه عليه و آله آمده عرض كرد: اى رسول خدا: يك سوم دعاهاى خود را به شما اختصاص دهم ؟ فرمود: نيكو است عرض كرد: صلى اللّه عليه و آله نيمى از دعاهاى خود را مخصوص شما گردانم ؟ فرمود: اين بهتر است ، عرض كرد :همه دعاهايم را براى شما قرار دهم ؟ فرمود: در اين صورت خداى عزوجل - آنچه از كارهاى دنيا و آخرتت كه ترا اندوهناك كند كفايت فرمايد. پس مردى به حضرت صادق (ع) عرض كرد: خدايت نيكى دهد چگونه دعايش را براى او قرار دهد، حضرت عليه السلام فرمود: چيزى از خداى عزوجل درخواست نكند جز اينكه ابتداء به صلوات بر محمد و آلش عليهم السلام كند.

13-ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص ارْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالنِّفَاقِ
اصول كافى جلد 4 صفحه : 251 رواية : 13

ترجمه:
13- و نيز حضرت صادق) ع) فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: آوازهاى خود را بصلوات بر من بلند كنيد، زيرا كه آن نفاق را بر طرف سازد.

14-مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ فَرُّوخَ مَوْلَى آلِ طَلْحَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا إِسْحَاقَ بْنَ فَرُّوخَ مَنْ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَشْراً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَتُهُ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ مَنْ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِائَةَ مَرَّةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَتُهُ أَلْفاً أَ مَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَ مَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ وَ كانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيماً
اصول كافى جلد 4 صفحه : 251 رواية : 14

ترجمه:

14- اسحاق بن فروخ گويد: حضرت صادق (ع) فرمود: اى اسحاق بن فروخ هر كه ده بار بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد خداوند و فرشتگان او صد بار بر او صلوات فرستند، و هر كه صد بار بر محمد و آل محمد صلوات فرستد خداوند و فرشتگانش هزار بار بر او صلوات فرستند، آيا گفتار خداى عزوجل را نشنيده اى (كه فرمايد:) (((او است آن خداوندى كه رحمت (يا درود) فرستد بر شما (او) و فرشتگانش تا برون آرد شما را از تاريكيها بسوى روشنائى و بوده است بموْ منان مهربان))) (سوره احزاب آيه.(43

توضيح :

استشهاد به آيه شريفه براى اثبات اين معنا است كه چگونه خداوند و فرشتگانش صلوات و درود بر كسى فرستند، و در اينكه صلوات خدا و فرشتگان بر مردم چيست و چگونه است مورد اختلاف است طبرسى (ره) گويد: صلوات از خدا آمرزش و رحمت است ، و گفته شده : ثنا و ستايش است ، و برخى گفته اند: كرامت و بخشندگى است ، و اما صلوات فرشتگان همان دعاى آنها است چنانكه از ابن عباس نقل شده ، و گفته شده : درخواست آنها است از خداى تعالى براى فرو فرستادن رحمت .

-15عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ مَا فِي الْمِيزَانِ شَيْءٌ أَثْقَلَ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ إِنَّ الرَّجُلَ لَتُوضَعُ أَعْمَالُهُ فِي الْمِيزَانِ فَتَمِيلُ بِهِ فَيُخْرِجُ ص الصَّلَاةَ عَلَيْهِ فَيَضَعُهَا فِي مِيزَانِهِ فَيَرْجَحُ بِهِ

اصول كافى جلد 4 صفحه 252 : رواية : 15

ترجمه:

15- محمد بن مسلم از يكى از دو امام باقر و صادق عليهماالسلام حديث كند كه فرمود: در ميزان (و ترازوى اعمال در قيامت) چيزى سنگين تر از صلوات بر محمد و آل محمد نيست ، و همانا مردى باشد كه اعمالش را در ميزان گذارند و سبك باشد، پس ثواب صلوات او در آيد و آنرا در ميزان نهد پس بسبب آن سنگين گردد و (بر كفه ديگر) بچربد.

-16عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ جُمْهُورٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ رِجَالِهِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ

وَ جَلَّ حَاجَةً فَلْيَبْدَأْ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ثُمَّ يَسْأَلُ حَاجَتَهُ ثُمَّ يَخْتِمُ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَقْبَلَ الطَّرَفَيْنِ وَ يَدَعَ الْوَسَطَ إِذَا كَانَتِ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَا تُحْجَبُ عَنْهُ

اصول كافى جلد 4 صفحه : 252 رواية : 16

ترجمه:

16- حضرت صادق (ع (فرمود: هر كه بدرگاه خداى عزوجل حاجتى دارد بايد بصلوات بر محمد و آلش شروع كند، و سپس حاجت خود را بخواهد، و در آخر هم بصلوات بر محمد و آل محمد پايان دهد، زيرا كه خداى عزوجل كريم تر از آن است كه دو طرف (دعا) را بپذيرد، و وسط (دعا) را واگذارد (و به اجابت نرساند) زيرا صلوات بر محمد و آل محمد محجوب نيست (و بدون بر خورد به حجابى بالا رود.(

-17عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَسِّنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبَانٍ الْأَحْمَرِ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ نُعَيْمٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنِّي دَخَلْتُ الْبَيْتَ وَ لَمْ يَحْضُرْنِي شَيْءٌ مِنَ الدُّعَاءِ إِلَّا الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَقَالَ أَمَا إِنَّهُ لَمْ يَخْرُجْ أَحَدٌ بِأَفْضَلَ مِمَّا خَرَجْتَ بِهِ

اصول كافى جلد 4 صفحه : 252 رواية : 17

ترجمه:

17- عبد السلام بن نعيم گويد: به امام صادق عليه السلام عرض كردم : من وارد خانه (كعبه) شدم و هيچ دعائى بخاطر نداشتم جز صلوات بر محمد و آل محمد؟ فرمود: آگاه باش كه هيچ كس مانند تو (در فضيلت و ثواب) از خانه بيرون نيامده است.

-18عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرَّيَّانِ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدِّهْقَانِ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع فَقَالَ لِي مَا مَعْنَى قَوْلِهِ وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلّ ى قُلْتُ كُلَّمَا ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ قَامَ فَصَلَّى فَقَالَ لِي لَقَدْ كَلَّفَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ هَذَا شَطَطاً فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَكَيْفَ هُوَ فَقَالَ كُلَّمَا ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

اصول كافى جلد 4 صفحه : 252 رواية : 18

ترجمه:

18- عبید اللّه بن عبداللّه دهقان گوید: خدمت حضرت رضا علیه السلام شرفیاب شدم ، پس آن حضرت به من فرمود: معنای گفتار خداوند چیست ؟ (که فرماید:) (((و یاد کرد نام پروردگارش را پس صلوات بجا آورد))) (سوره اعلی آیه 15)؟ من عرض کردم : یعنی هر زمان نام پروردگارش را بیاد آورد برخاست پس نماز خواند (و صلواة بمعنای نماز است) فرمود: (اگر اینطور باشد) پس خدا به حقیقت تکلیفی نا به جا و بیرون از طاقت و توانائی کرده است ؟ عرض کردم : قربانت : پس معنای آن چگونه است ؟ فرمود: هر گاه نام پروردگارش را یاد کند بر محمد و آل محمد او صلوات فرستد.

توضیح :

مجلسی (ره) پس از نقل تفاسیر زیادی که از معصوم علیه السلام و غیر او در تفسیر آیه رسیـــده که صلوة در آیه (((فصلی))) را به توحید، و ذکر قلبی ، و ذکر زبانی یعنی اللّه کبر ـــ، و نماز در صحرا، و نماز فطر و اءضحی ، تفسیر کرده اند گوید: منافاتی میانه این روایت و آن روایات نیست ، زیرا این نیز یکی از معانی آیه و بطنی از بطون آن میباشد.

19-عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ الْأَسَدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ وَ لَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ وَ آلَهُ ص فِي صَلَاتِهِ يُسْلَكُ بِصَلَاتِهِ غَيْرَ سَبِيلِ الْجَنَّةِ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ دَخَلَ النَّارَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ وَ قَالَ ص وَ مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَنَسِيَ الصَّلَاةَ عَلَيَّ خُطِئَ بِهِ طَرِيقَ الْجَنَّةِ

اصول کافی جلد 4 صفحه : 253 رواية : 19

ترجمه:

19- حضرت صادق (ع (فرمود: هرگاه یکی از شماها نماز بخواند و در نماز خود نام پیغمبر (ص) (و آل او) را نبرد، با این نماز بجز راه بهشت می رود (یعنی این نماز او را به بهشت نخواهد برد). و رسول خدا(ص) فرمود: هر کس که من نزد او نامم برده شود و بر من صلوات نفرستد به دوزخ رود، پس خدایش (از رحمت خود) دور کند. و فرمود (ص): و هر کس که من نزدش نام برده شوم و صلوات (فرستادن) را بر من فراموش کند از راه بهشت به خطا رفته است.

20-أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ ثَابِتٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَنَسِيَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ خَطَأَ اللَّهُ بِهِ طَرِيقَ الْجَنَّةِ
اصول كافى جلد 4 صفحه : 253 رواية : 20

ترجمه:
20- و نيز آن حضرت عليه السلام فرمود: رسول خدا(ص) فرموده است : هر كه من نزدش نام برده شوم و فراموش كند كه بر من صلوات بفرستد خداوند او را براهى جز راه بهشت برد.

21-عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعَ أَبِي رَجُلًا مُتَعَلِّقاً بِالْبَيْتِ وَ هُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فَقَالَ لَهُ أَبِي يَا عَبْدَ اللَّهِ لَا تَبْتُرْهَا لَا تَظْلِمْنَا حَقَّنَا قُلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ
اصول كافى جلد 4 صفحه : 253 رواية : 21

ترجمه:
21- و نيز آن حضرت عليه السلام فرمود: پدرم شنيد كه مردى به پرده كعبه در آويخته و مى گويد: (((اللهم صل على محمد)))، (و نامى از آل محمد دنبال آن نمى برد) پدرم باو فرمود: اى بنده خدا بريده اش مكن ، و درباره حق ما بما ستم مكن ، و بگو: (((الهم صل على محمد و اءهل بيته.)))

1-عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَلَفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ رِبْعِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْجَارُودِ الْهُذَلِيِّ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَا مِنْ مَجْلِسٍ يَجْتَمِعُ فِيهِ أَبْرَارٌ وَ فُجَّارٌ فَيَقُومُونَ عَلَى غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا كَانَ حَسْرَةً عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
اصول كافى جلد 4 صفحه : 254 رواية : 1

باب آنچه لازم است از ذكر خداى عزوجل در هر مجلسى

بَابُ مَا يَجِبُ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كُلِّ مَجْلِسٍ

ترجمه:

1- حضرت صادق (ع (فرمود: هیچ مجلسی نباشد که در آن نیکان و بدکاران گرد هم اجتماع کنند که بی یاد خدای عزوجل از آن برخیزند جز اینکه در روز قیامت برای آنها مایه حسرت و افسوس باشد.

توضیح :

مجلسی (ره) گوید: مقصود از ذکر هر آن چیزی است که سبب یاد آورری خدای سبحان در خاطر انسانی گردد، و نیز موجب فرمانبرداری از دستورات خدا و واگذاردن نهیهای او، و تفکر در آنچه جایز است از صفات خداوند و محامد او، و تذکر تمامی اینها بدل و زبان ، و یاد آوری پیمبران و ائمه دین و بیان مناقب و فضائل و برهان بر امامت آنها چنانچه در حدیث آمده که ذکر ما ذکر خداست و ذکر دشمنان ما ذکر شیطان است و هم چنین یاد آوری معاد و حشر و حساب تا آنکه گوید: ولی عبادات اختراعی و اذکاری بدعت باشد آنها ذکر خدا نیست .

2- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ وُهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَا اجْتَمَعَ فِي مَجْلِسٍ قَوْمٌ لَمْ يَذْكُرُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَمْ يَذْكُرُونَا إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْمَجْلِسُ حَسْرَةً عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع إِنَّ ذِكْرَنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذِكْرَ عَدُوِّنَا مِنْ ذِكْرِ الشَّيْطَانِ

اصول كافى جلد 4 صفحه : 254 رواية : 2

ترجمه:

2- و نیز حضرت صادق (ع (فرمود: هیچ مردمی ، در انجمنی فراهم نشوند که در آن ذکر خدای عزوجل و ذکر ما نباشد جز اینکه آن انجمن در روز قیامت مایه حسرت و افسوس آنان باشد، سپس فرمود :)پدرم) حضرت ابوجعفر علیه السلام فرمود: همانا ذکر ما ذکر خدا است و ذکر دشمن ما ذکر شیطان است .

3- وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكْتَالَ بِالْمِكْيَالِ الْأَوْفَى فَلْيَقُلْ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَقُومَ مِنْ مَجْلِسِهِ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

اصول كافى جلد 4 صفحه : 254 رواية : 3

ترجمه:

3- حضرت باقر (ع (فرمود: هر که خواهد به پیمانه تمام مزد برد (و بکاملترین وجهی بی کم و کاست از

خدا ثواب دریافت کند) باید هنگامی که می خواهد از جای خود برخیزد بگوید:
)))سبـحان ربك رب العزة عما يصفون ه و سلام على المرسلين ، و الحمد للّه رب العالمين.(((

-4مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَاةِ الَّتِي لَمْ تُغَيَّرْ أَنَّ مُوسَى ع سَأَلَ رَبَّهُ فَقَالَ يَا رَبِّ أَ قَرِيبٌ أَنْتَ مِنِّي فَأُنَاجِيَكَ أَمْ بَعِيدٌ فَأُنَادِيَكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ يَا مُوسَى أَنَا جَلِيسُ مَنْ ذَكَرَنِي فَقَالَ مُوسَى فَمَنْ فِي سِتْرِكَ يَوْمَ لَا سِتْرَ إِلَّا سِتْرُكَ فَقَالَ الَّذِينَ يَذْكُرُونَنِي فَأَذْكُرُهُمْ وَ يَتَحَابُّونَ فِيَّ فَأُحِبُّهُمْ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ إِذَا أَرَدْتُ أَنْ أُصِيبَ أَهْلَ الْأَرْضِ بِسُوءٍ ذَكَرْتُهُمْ فَدَفَعْتُ عَنْهُمْ بِهِمْ
اصول کافی جلد 4 صفحه 255 : رواية : 4

ترجمه:
4- و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: در آن توراتی که دست نخورده (و مانند این توراة فعلی که تحریف شده نیست) نوشته است که موسی علیه السلام از خداوند پرسشی کرده عرض کرد:
پروردگارا آیا تو به من نزدیکی تا با تو آهسته راز گویم یا از من دوری تا فریادت کنم ؟ خدای عزوجل به او وحی فرمود: ای موسی من هم نشین آن کسم که مرا یاد کند، موسی عرضکرد: کیست که در پناه تو است روزی که پناهی جز پناه تو نیست ؟ فرمود: آنانکه مرا یاد کنند پس من نیز آنها را یاد کنم ، و در راه من) یا بخاطر خشنودی من) با هم دوستی کنند، پس من نیز آنها را دوست دارم ، اینهایند که چون خواهم به اءهل زمین بلا و بدی برسانم یادشان کنم و به خاطر آنها آن بدی را از اهل زمین دفع کنم.

شـــــرح :
مـــجـــلســـی (ره) در شـــرح کـــلام اول حـــضـــرت مـــوســـی (عـــلیـــه السلام) گوید: گویا غرض پرسش از آداب دعا است با اینکه می دانست که او بما از رگ گردن نزدیکتر است ، یعنی :
آیـــا دوســـت داری مـــانـــنـــد نـــزدیـــکـــان بـــا تو راز گویم یا مانند دوران فریادت کنم ، و به بـــیـــانـــی ســـاده تـــر: چون به تو نگاه کنم پس تو از هر نزدیکی نزدیکتری ، و چون به خـــود نـــظـــر افـــکـــنم خود را در منتهای دوری از تو بینم ، پس ندانم که هنگام دعاء بدرگاهت به حال خودم نگاه کنم یا به حال تو.

5-أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ حُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا مِنْ قَوْمٍ اجْتَمَعُوا فِي مَجْلِسٍ فَلَمْ يَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَمْ يُصَلُّوا عَلَى نَبِيِّهِمْ إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْمَجْلِسُ حَسْرَةً وَ وَبَالًا عَلَيْهِمْ
اصول کافی جلد 4 صفحه : 255 روایة 5 :

ترجمه:

5- حضرت صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرموده : هیچ مردمی نباشد که در انجمنی گرد هم آیند و نام خدای عزوجل را نبرند، و بر پیغمبر صلی اللّه علیه و آله صلوات نفرستند جز اینکه آن مجلس مایه حسرت و زیان بر آنها باشد.

6-عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَا بَأْسَ بِذِكْرِ اللَّهِ وَ أَنْتَ تَبُولُ فَإِنَّ ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَسَنٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ فَلَا تَسْأَمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ
اصول کافی جلد 4 صفحه : 255 روایة 6 :

ترجمه:

6- و نیز حضرت صادق علیه السلام فرمود: ذکر خدا در هنگامی که بول کنی عیب ندارد زیرا ذکر خدا در هر حالی نیکو است ، پس از ذکر خدا خسته مشو.

7-عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى مُوسَى ع يَا مُوسَى ع لَا تَفْرَحْ بِكَثْرَةِ الْمَالِ وَ لَا تَدَعْ ذِكْرِي عَلَى كُلِّ حَالٍ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْمَالِ تُنْسِي الذُّنُوبَ وَ إِنَّ تَرْكَ ذِكْرِي يُقْسِي الْقُلُوبَ
اصول کافی جلد 4 صفحه : 256 روایة : 7

ترجمه:

7- و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: خدای عزوجل به موسی وحی کرد: ای موسی به زیادی مال شاد مشو، و ذکر مرا در هر حالی وا مگذار (از یاد من بیرون مرو (زیرا زیادی مال گناهان را فراموش سازد، و واگذاردن ذکر من دلها را سخت کند.

-8مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَاةِ الَّتِي لَمْ تُغَيَّرْ أَنَّ مُوسَى سَأَلَ رَبَّهُ فَقَالَ إِلَهِي إِنَّهُ يَأْتِي عَلَيَّ مَجَالِسُ أُعِزُّكَ وَ أُجِلُّكَ أَنْ أَذْكُرَكَ فِيهَا فَقَالَ يَا مُوسَى إِنَّ ذِكْرِي حَسَنٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ
اصول كافی جلد 4 صفحه : 256 رواية : 8

ترجمه:
8- امام باقر علیه السلام فرمود: در آن توراتی كه تغییری در آن داده نشده است (و محرف نیست (نوشته است : كه همانا موسی از پروردگار پرسید و عرضكرد: بارالها هر آینه گاهی مجلسی برای من پیش آید كه من تو را عزیزتر و والاتر دانم از اینكه در آن مجلسها یاد تو كنم (و نامت را برم.(
فرمود: ای موسی یاد من كردن در هر حال خوب است .

-9عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمُوسَى أَكْثِرْ ذِكْرِي بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ كُنْ عِنْدَ ذِكْرِي خَاشِعاً وَ عِنْدَ بَلَائِي صَابِراً وَ اطْمَئِنَّ عِنْدَ ذِكْرِي وَ اعْبُدْنِي وَ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً إِلَيَّ الْمَصِيرُ يَا مُوسَى اجْعَلْنِي ذُخْرَكَ وَ ضَعْ عِنْدِي كَنْزَكَ مِنَ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ
اصول كافی جلد 4 صفحه : 256 رواية : 9

ترجمه:
9- حضرت صادق (ع (فرمود: خدای عزوجل به موسی فرمود: در شب و روز مرا بسیار یاد كن و هنگام ذكر من خاشع باش ، و به هنگام بلایم شكیبا باش ، و پیش ذكر من آسوده باش (چون با ذكر من دل آسوده شود) و مرا بپرست و چیزی را شریك من قرار مده ، بازگشت بسوی من است ، ای موسی مرا (برای روز درمانگی) ذخیره خود ساز، و گنج كردارهای شایسته و پاینده خود را بمن بسپار.

-10وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمُوسَى اجْعَلْ لِسَانَكَ مِنْ وَرَاءِ قَلْبِكَ تَسْلَمْ وَ أَكْثِرْ ذِكْرِي بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ لَا تَتَّبِعِ الْخَطِيئَةَ فِي مَعْدِنِهَا فَتَنْدَمَ فَإِنَّ الْخَطِيئَةَ مَوْعِدُ أَهْلِ النَّارِ
اصول كافی جلد 4 صفحه : 256 رواية : 10

ترجمه:

10- و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: خدای عزوجل به موسی فرمود: زبانت را دنبال دلت قرار ده تا سالم بمانی ، و در شب و روز مرا بسیار یاد کن و گناه را از کان و معدنش دنبال مکن که پشیمان شوی ، زیرا خطا کاری و گناه وعده گاه اهل دوزخ است.

شـــــرح :

فیض (ره) گوید: (((زبانت را دنبال دلت قرار ده))) یعنی در آنچه می خواهی بدان تکلم کـنـی و بـگـوئی اول تاءمل کن (و ببین چگونه است) آنگاه بگو، زیرا اگر چنین کردی از خـطـا و پـشـیـمـانـی سالم بمانی . و در جمله (((و گناه را از معدنش ..))) گوید: یعنی با اهـل خـطـا کـه مـعـدن آن هـسـتـنـد هم نشین مکن زیرا تو نیز با آنان شریك گردی و بر آن پشیمان شوی .

-11وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ فِيمَا نَاجَى اللَّهُ بِهِ مُوسَى ع قَالَ يَا مُوسَى لَا تَنْسَنِي عَلَى كُلِّ حَالٍ فَإِنَّ نِسْيَانِي يُمِيتُ الْقَلْبَ

اصول کافی جلد 4 صفحه 257 : روایة 11 :

ترجمه:

11- و نیز امام حضرت صادق علیه السلام فرمود: در آنچه خدا با موسی مناجات کرد (این بود که) فرمود :ای موسی مرا در هیچ حالی فراموش مکن زیرا که فراموش کردن من دل را می میراند.

-12عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ غَالِبِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ بَشِيرٍ الدَّهَّانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَا ابْنَ آدَمَ اذْكُرْنِي فِي مَلَإٍ أَذْكُرْكَ فِي مَلَإٍ خَيْرٍ مِنْ مَلَئِكَ

اصول کافی جلد 4 صفحه 257 : روایة : 12

ترجمه:

12- و نیز حضرت صادق علیه السلام فرمود: خدای عزوجل فرماید: ای فرزند آدم مرا در میان مردم یاد کن تا من تو را در میان گروهی بهتر (یعنی فرشتگان) یاد کنم.

شـــــرح :

فیض (ره) گوید: شاید مقصود از ذکر در ملاء ستایش او باشد بطوری که مردم بشنوند و آنـهـا را بـیـاد خـدا

انـــدازد. و مـــجلسی (ره)گويد: اين خبر را عامه نيز روايت كرده اند، و مقصود از گروه بهتر فرشتگانند چنانچه عامه نيز گفته اند و آنانكه گويند: فرشتگان بهتر از افراد بشر هستند به اين حديث تمسك جسته اند.

13-مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَإٍ مِنَ النَّاسِ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَإٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ

اصول كافی جلد 4 صفحه 257 رواية : 13

ترجمه:

13- و نيز فرمود: خدای عزوجل فرموده : هر كه در ميان دسته ای از مردم مرا ياد كند من او را در ميان دسته ای از فرشتگان ياد كنم.

باب بسيار ذكر خدای عزو جل كردن

بَابُ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ كَثِيراً

1-عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ إِلَّا الذِّكْرَ فَلَيْسَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْفَرَائِضَ فَمَنْ أَدَّاهُنَّ فَهُوَ حَدُّهُنَّ وَ شَهْرَ رَمَضَانَ فَمَنْ صَامَهُ فَهُوَ حَدُّهُ وَ الْحَجَّ فَمَنْ حَجَّ فَهُوَ حَدُّهُ إِلَّا الذِّكْرَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَرْضَ مِنْهُ بِالْقَلِيلِ وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ حَدّاً يَنْتَهِي إِلَيْهِ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ ي ا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللّ ه ذِكْراً كَثِيراً وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصِيلًا فَقَالَ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ حَدّاً يَنْتَهِي إِلَيْهِ قَالَ وَ كَانَ أَبِي ع كَثِيرَ الذِّكْرِ لَقَدْ كُنْتُ أَمْشِي مَعَهُ وَ إِنَّهُ لَيَذْكُرُ اللَّهَ وَ آكُلُ مَعَهُ الطَّعَامَ وَ إِنَّهُ لَيَذْكُرُ اللَّهَ وَ لَقَدْ كَانَ يُحَدِّثُ الْقَوْمَ وَ مَا يَشْغَلُهُ ذَلِكَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ كُنْتُ أَرَى لِسَانَهُ لَازِقاً بِحَنَكِهِ يَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ كَانَ يَجْمَعُنَا فَيَأْمُرُنَا بِالذِّكْرِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ وَ يَأْمُرُ بِالْقِرَاءَةِ مَنْ كَانَ يَقْرَأُ مِنَّا وَ مَنْ كَانَ لَا يَقْرَأُ مِنَّا أَمَرَهُ بِالذِّكْرِ وَ الْبَيْتُ الَّذِي يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَ يُذْكَرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ تَكْثُرُ بَرَكَتُهُ وَ تَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ تَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ وَ يُضِي ءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا يُضِي ءُ الْكَوْكَبُ الدُّرِّيُّ لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَ الْبَيْتُ الَّذِي لَا يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَ لَا يُذْكَرُ اللَّهُ فِيهِ تَقِلُّ بَرَكَتُهُ وَ تَهْجُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ تَحْضُرُهُ الشَّيَاطِينُ وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَ لَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ أَعْمَالِكُمْ لَكُمْ أَرْفَعِهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ وَ أَزْكَاهَا عِنْدَ مَلِيكِكُمْ وَ خَيْرٍ لَكُمْ مِنَ الدِّينَارِ وَ الدِّرْهَمِ وَ خَيْرٍ لَكُمْ مِنْ أَنْ تَلْقَوْا عَدُوَّكُمْ فَتَقْتُلُوهُمْ وَ يَقْتُلُوكُمْ فَقَالُوا بَلَى فَقَالَ ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ كَثِيراً ثُمَّ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ مَنْ خَيْرُ أَهْلِ الْمَسْجِدِ فَقَالَ أَكْثَرُهُمْ لِلَّهِ ذِكْراً وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أُعْطِيَ لِسَاناً ذَاكِراً فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ قَالَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ ل ا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ قَالَ لَا تَسْتَكْثِرْ مَا عَمِلْتَ مِنْ خَيْرٍ لِلَّهِ

اصول کافی جلد 4 صفحه 257 : رواية : 1

ترجمه:

1- حضرت صادق (ع (فرمود: هيچ چيز نيست جز آنكه براى آن حدى (و اندازه اى) است كه بدان پايان پذيرد مگر ذكر كه حدى ندارد تا پايان پذيرد، خداى عزوجل فرائض را واجب كرده و هر كه آنها را به جاى آورد همان حد و انتهاى آنها است ، و ماه رمضانست پس هر كه آنرا روزه دارد همان حد آن است ، و حج (واجب است) و هر كه حج كرد به پايان رسانده ، مگر همان ذكر كه براستى خداى عزوجل به اندك آن راضى نشده و انتها و حدى براى آن قرار نداده كه بدان پايان يابد، سپس اين آيه را تلاوت فرمود: (((اى آنانكه ايمان آورديد ياد كنيد خدا را بسيار، و تسبيحش گوئيد بامدادان و

شامگاهان))) (سوره احزاب آیه 41 و 42) پس
فرمود: خدای عزوجل برای آن حدی که بدان پایان
پذیرد قرار نداده است.
فرمود: و پدرم فراوان ذکر خدا می کرد، (گاهی)
من به همراه او می رفتم و او ذکر خدا می کرد، با او
غذا می خوردم او ذکر خدا می کرد، و (گاهی) با مردم
گفتگو می کرد ولی آن از ذکر خدا بازش نمی داشت و
من می دیدم زبانش را که چسبیده به کامش بود و می
گفت))) لا اله الا اللّه))) و پیوسته ما را انجمن می
کرد، و ما را به ذکر خدا فرمان می داد تا آفتاب
بزند، و هر کدام ما که خواندن (قرآن) میدانستیم
دستور به خواندن می داد، و هر کدام نمیدانست به او
دستور ذکر می فرمود.
در هر خانه ای که قرآن خوانده شود و ذکر
خدای عزوجل شود برکت آن خانه زیاد گردد، و
فرشتگان در آن خانه آیند، و شیاطین از آن دوری
کنند، و برای اهل آسمان بدرخشد چنانچه
ستاره فروزان برای اهل زمین می درخشد، و (اما)
خانه ای که در آن قرآن خوانده نشود و خدا در آن
خانه ذکر نشود برکتش کم می شود و فرشتگان از آن
دوری کنند و شیاطین در آن خانه در آیند.
و به تحقیق رسول خدا (ص) فرموده : آیا شما را آگاه
نکنم به بهترین کارهایتان که در درجات شما از همه
کارها بالاتر، و نزد خداوند از همه پاکتر و پاکیزه تر
است ، و برای شما از دینار (طلا) و درهم (نقره (
بهتر، و از اینکه با دشمن خودتان برخورد کنید (و
جهاد کنید) و شما آنها را بکشید و آنها شما را بکشند
خوبتر است ؟ عرض کردند: چرا فرمود: آن بسیار
ذکر خدا کردن است سپس فرمود: مردی خدمت پیغمبر
صلی اللّه علیه و آله فرمود: هر که زبانی گویا به ذکر
خدا به او داده شده است خیر دنیا و آخرت به او داده
شده ، و درباره گفتار خدایتعالی))) : و منت منه که
فزونی جوئی))) (سوره مدثر آیه 6) فرمود، (یعنی)
آنچه کار خیر برای خدا کردی آن را بیش مشمار.

-2حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ وُهَيْبِ بْنِ
حَفْصٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ شِيعَتُنَا
الَّذِينَ إِذَا خَلَوْا ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيراً
اصول کافی جلد 4 صفحه : 259 رواية : 2

ترجمه:
2- حضرت صادق (ع (فرمود: شیعیان ما آنهائی
هستند که هرگاه تنها باشند ذکر خدا بسیار کنند.

-3الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيراً كُتِبَتْ لَهُ بَرَاءَتَانِ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَ بَرَاءَةٌ مِنَ النِّفَاقِ
اصول كافی جلد 4 صفحه : 259 رواية : 3

ترجمه:
3- و نيز آن حضرت عليه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرموده : هر كه ذكر خداى عزوجل را بسيار كند خداوند او را دوست دارد، و هر كه ذكر خدا را بسيار كند براى دو براءت) يعنى منشور آزادى) نوشته شود، يكى براءت از دوزخ ، و ديگرى براءت از انفاق (و دو روئى.(

-4مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ بَكْرِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ عَنْ زُرَارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ع مِنَ الذِّكْرِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ اذْكُرُوا اللّ هَ ذِكْراً كَثِيراً
عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ زَيْدٍ الشَّحَّامِ وَ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ وَ سَعِيدٍ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مِثْلَهُ
اصول كافی جلد 4 صفحه : 259 رواية : 4

ترجمه:
4- حضرت صادق (ع (فرمود: تسبيح فاطمه زهراء عليهاالسلام از جمله ذكر بسيارى است كه خداى عزوجل فرموده است : (((خدا را ياد كنيد ياد كردن بسيار))) (سوره احزاب آيه 41). و نيز مانند اين حديث را سعيد اعرج از آن حضرت عليه السلام روايت كرده است.

-5الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ دَاوُدَ الْحَمَّارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَظَلَّهُ اللَّهُ فِي جَنَّتِهِ
اصول كافی جلد 4 صفحه : 260 رواية : 5

ترجمه:

5- و نیز امام صادق) ع) فرمود: هر که بسیار ذکر خدای عزوجل را بکند خداوند او را در بهشتش در کنف رحمت خود جا دهد.